

خانوادہ بہشتی



خانواده بهشتی

تهیه و تدوین: اداره تولیدات فرهنگی

طراحی جلد و صفحه آرایی: عباس پرچمی

ناشر: مؤسسه فرهنگی قدس

چاپ: انتشارات قدس رضوی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۵۰۰۰۰

آدرس: حرم مطهر امام رضا (ع)، صحن جامع رضوی، اداره تولیدات فرهنگی،

سندوق پستی ۳۱۵-۹۱۷۳۵ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

فهرست

۷.....	نور خانه
۱۷.....	دو گوهر خانه
۲۵.....	ستون خانه
۳۵.....	ریحانه خانه
۴۷.....	گل های خانه
۵۵.....	برکت خانه
۶۵.....	صفا ی خانه
۸۱.....	حریم خانه

سخن آغازین

گاهی حتی از زندگی کردن هم خسته می‌شوی؛ در امورات خویش می‌مانی؛ در کار کسب و فرزند و همسر و دین. انگار هزاران دغدغه چنان غل و زنجیرت کرده‌اند که توان نفس کشیدن هم نداری! در این لحظه‌ها چقدر منتظر یک معجزه‌ای؛ منتظر دستی مسیحایی که گره از کارت بگشاید و دمی که بدمد تا نفس تازه کنی! یک نفر که در گوش جانت زمزمه کند: «این کار بهتر است» و دلیلی باشد که تو را به تصمیم برساند!

می‌دانی باید نگاهت را به زندگی عوض کنی؛ دنبال نگاهی هستی که مطمئن باشد و دلت را آرام نگه دارد و پی‌راهی می‌گرددی که بارها دیگران آزموده باشند.

این اولین بار نیست که من و تو می‌خواهیم پی‌جوی نوری باشیم تا حلاوت زندگی دنیا را کنار عاقبت به‌خیری آخرت نصیبمان کند؛ اولین افراد هم نیستیم؛ مردان و زنان بسیاری این راه را رفته‌اند. شهدا از این دسته‌اند.

شهدا، انسان‌های هم‌زمان و نزدیک به ما هستند که خوب رفتنشان وابسته به جنگ‌های بزرگ نیست. آن‌ها چون خوب زندگی می‌کنند، راه خوب رفتن را هم می‌آموزند.

از آنگاه که من و تو گوهر بندگی خداوند را برای خود پسندیدیم، در شمار گروه بندگان خداوند قرار گرفتیم که سرآمد و کامل‌ترین آن‌ها اهل بیت‌اند. این انوار مقدس، انسان کامل و عبد صالح پروردگارند که برای پیمودن هر قدم از مسیر بندگی، نیازمند پیروی از ایشان هستیم.

البته تا خداوند را اطاعت نکنیم، در گروه پیروان اهل بیت جایی نخواهیم داشت. مقصود زبان شکسته‌ام در آئینه حکمت کلام امام رئوف، به زیبایی رخ می‌نماید؛ آنجاکه می‌فرماید:

مَنْ كَانَ مِمَّا وَلَمْ يُطِيعِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَلَيْسَ مِنَّا^۱

هرکه خودش را از ما بداند و خدا را اطاعت نکند، از ما نیست.

برای اینکه دستورات خدا و راه اطاعت از آن‌ها را بدانیم، باید در محضر ائمه اطهار (علیهم‌السلام) باشیم و باید هاونبادهای مسیر بندگی را از آنان جویا شویم. کوتاه سخن اینکه بندگی خدا و پیروی از ائمه (علیهم‌السلام)، در کنار هم اند و هر کدام، به تنهایی بی معنا.

از این کلام امام ثامن (علیه‌السلام)، بهره دیگری نیز می‌جوییم: کوچک‌ترین عضو جامعه دینی، یعنی بنای عزیز خانواده، در نگاه پروردگار برای برپایی و داشتن بهترین شکل‌گیری و تداوم، نیازمند نگاه اصیل و تمام‌نمای ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است؛ آن‌ها که کلامشان قرآن ناطق است و وجودشان مثل خداوند بر زمین؛ از این رو، بهتر دیدیم باید هاونبادهای زندگی خانوادگی مان را از کلام پدری رثوف جویا شویم، امامی که بر اعمال هر صبح و شام ما شاهد است و چون پدری مهربان، دلسوز ماست.

آنچه پیش رو دارید، نگاه به بنیان خانواده و ارکان آن در کلام الهی و گفتار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) است.

بنیان خانواده را وجود زن و مردی تشکیل می‌دهد که به واسطه ذخیره مودت و رحمت خداوند، با هم عهد و پیمان می‌بندند؛ چرا که به راستی قدم نهادن در این مسیر، نیازمند عهد مقدسی است تا بتوان به نتیجه «نِعْمَ الْوَعْدُ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ» رسید؛ پس مهم است که بدانیم حقوق ایشان بر یکدیگر و در قبال نهاد مقدس خانواده چیست.

وجود فرزندان که به قوام و ریشه‌داری خانواده می‌افزاید، حقوق والدین و فرزندان را

۱. عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام)، ج ۲، ص ۲۳۲.

مطرح می‌کند. معیشت و رزق و روزی خانواده نیز، از مسائل اولیه یک خانواده است. از طرفی، کانون خانواده، به واسطه معاشرت و روابط اجتماعی، شور و نشاط می‌گیرد؛ بنابراین باید برای آن حد و مرز و حریم و حیایی تعیین شده باشد و در نهایت، هر نظامی برای استمرار و تداوم، نیازمند برنامه و قانون است که ما آن را برای خانواده در کلام خالق حکیم، یعنی قرآن جست‌وجو می‌کنیم.

براین اساس، با بهره‌گیری از قرآن و عترت (علیهم‌السلام)، هشت موضوع مورد نیاز خانواده را از رواق چشم می‌گذرانیم که مطلع هر کدام، حبه‌ای نور از کلام هشتمین امام معصوم (علیه‌السلام) است:

۱. نور خانه (کلام وحی در خانواده)؛
 ۲. دو گوهر خانه (والدین در خانواده)؛
 ۳. ستون خانه (مرد در خانواده)؛
 ۴. ریحانه خانه (زن در خانواده)؛
 ۵. گل‌های خانه (فرزندان در خانواده)؛
 ۶. برکت خانه (درآمد حلال و حرام در خانواده)؛
 ۷. حریم خانه (حیا و حجاب در خانواده)؛
 ۸. صفای خانه (معاشرت و اخلاق ارتباطی در خانواده).
- امید است در پرتو عنایات پروردگار بی‌همتا و نگاه مهربانانه معصومان (علیهم‌السلام)، به‌ویژه امام رئوف، علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام)، با عمل به این راهکارها خانواده‌ای بهشتی بسازیم.



تفسیر خانۀ کلام وحی در خانواده

ای نور هدایتگر، وجود بابرکت تو، مکتب خانۀ تربیت خداوندی است؛ کلام نورت را جز اهل نور و امامان نور علیهم السلام، تفسیر و ترجمه نتوانند؛ همان ها که نور علی نورد و به خداوند نور هدایت می کنند.

ای صدق النبی، من شرم دارم: از حضورت شرم دارم، اگر از جانب من ادبی نبود: از آیات شرم دارم، اگر از جانب من تلاشی برای قرائتشان نبود و از تفسیر و ترجمانت شرم دارم، اگر از جانب من عملی نبود!

خداوند! مرا در برابر این حق عظیم شرمنده مخواه!

آمین

از امام رضا (علیه السلام) نقل است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

إِجْعَلُوا لِييُوتِكُمْ نَصِيباً مِنَ الْقُرْآنِ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ تَسَرَّ [يُسِرّاً] عَلَى أَهْلِهِ وَكَثُرَ خَيْرُهُ وَكَانَ سَكَّانُهُ فِي زِيَادَةٍ وَإِذَا لَمْ يُقْرَأْ فِيهِ الْقُرْآنُ ضَيَّقَ عَلَى أَهْلِهِ وَقَلَّ خَيْرُهُ وَكَانَ سَكَّانُهُ فِي نَقْصَانٍ^۱

برای خانه‌هایتان بهره‌ای از قرآن قرار دهید که اگر در خانه‌ای قرآن خوانده شود، کارها بر اهلس آسان و خیرش زیاد می‌شود و ساکنان آن در فزونی هستند و اگر در خانه‌ای قرآن تلاوت نشود، [آن خانه] بر اهلس تنگ شده، خیرش کم می‌شود و ساکنانش در نقصان قرار می‌گیرند.

خداوند در قرآن، کلام خود را، نور، تبیان، ذکر و فرقان معرفی کرده و در کلام معصومان (علیهم السلام) از آن با تعبیر مونس انسان، گنج بی‌پایان، شفابخش دل‌ها، مایه پند و عبرت و... یاد شده است.

قرآن که کلام خداست، با نزول معجزه‌گونه خود، نه تنها حقانیت آخرین رسول را برای همیشه سند می‌زند؛ بلکه کتابی است بی‌تحریف که مرجع اعتقادی، اخلاقی، حقوقی و قانونی (بایدها و نبایدهای) همیشه بشر به‌شمار می‌آید. این پرچم نجات و نور بی‌ظلمت، نه تنها در گذشت قرن‌ها کهنه و بی‌فروغ نمی‌شود؛ بلکه هر روز بر تازگی و برتری آن بر تمام علوم عالم افزوده می‌شود و چنین است که تاقیامت جاودانه می‌ماند.

مردی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: «چگونه است که قرآن هرچه خوانده و منتشر می‌شود، جز بر تازگی و طراوتش افزوده نمی‌شود؟» امام صادق (علیه السلام) در پاسخ فرمودند:

لَأنَّ اللهَ لَمْ يُنْزِلْهُ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ

عَصَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۱

زیرا خداوند آن را برای زمان و مردم خاصی نازل نکرده است؛ بنابراین در هر عصری، نو و نزد هر ملتی، تا روز قیامت، تازه و شاداب است.

می‌توان نگاه دیگری نیز به این برنامه انسان‌سازی داشت: افرادی که خانواده برای تعامل در روابط زندگی، درحالی که سرمایه‌های مشترک دارند، نیازمند قانون و ضوابط اند؛ آن هم از نوع الهی^۲. خداوندی که آفریننده انسان است و به خیر و صلاحش آگاه، این‌گونه با محتوای قرآن و عمل به باید و نبایدهای آن، راه بهشت را به او می‌نماید.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السَّعَادَةِ وَمَوْتَ الشَّهَادَةِ وَالنَّجَاةَ يَوْمَ الْحَشْرِ وَالظَّلَلَ يَوْمَ الْحُورِ وَالْهَدَى يَوْمَ الصَّلَاةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَأَمَلِ الرَّحْمَنِ وَحِزْزٍ مِنَ الشَّيْطَانِ وَرُجْحَانٍ فِي الْمِيزَانِ^۳.

اگر خواستار زندگی سعادت‌مندان، مرگ شهیدان، نجات روز محشر، سایه در روز گرم قیامت و هدایت در روز گمراهی هستید، پس قرآن بیاموزید؛ زیرا آن، گفته‌ی خدای مهربان، ایمنی از شیطان و موجب برتری و وزن خوبی‌های شماست.

البته آنچه در این کتاب نور آمده است، کلیات دین بوده و تفسیر و بیان مصادیق آن به عهد و همسانان قرآن، یعنی ائمه اطهار علیهم‌السلام است که پیامبر اکرم ﷺ قبل از رحلت، این دو بال سعادت بشری را در بین ما به امانت گذاشتند.^۴

۱. عیون اخبار الرضا علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۸۷.

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۱۰. امام علی علیهم‌السلام فرموده‌اند: «فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ وَخَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ؛ تاریخ و خبر گذشتگان و آیندگان و برنامه زندگی شما در قرآن است.»

۳. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۱۹. رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِي؛ من دو چیز در میان شما باقی گذاشتم؛ تا وقتی به آن دو چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد: یکی قرآن و دیگری خاندانم.»

طبق رهنمودهای معصومان (علیهم السلام)، این آشکارکنندگان امرونی خداوند،^۱ ما در برابر قرآن وظایفی داریم:

۱. قرآن را صحیح و با لحن عرب و صوت خوش تلاوت کنیم؛^۲ حتی اگر در ابتدا خواندن روان قرآن را هم ندانیم، از فیض ثواب قرائت آن بی بهره نخواهیم ماند^۳ و اگر معنای آن را نمی فهمیم، نباید از روخوانی ساده آن هم بگذریم؛ ولو با نگاه کردن به کلمات آن و خط بردن هنگام قرائت دیگران؛ زیرا **رسول رحمت** (صلی الله علیه و آله) فرموده اند:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ نَظْرًا.^۴

برترین عبادت امت من، روخوانی قرآن است.

۲. برای فهم مفاهیم و درک نکات عمیق و ظریف کلام وحی تلاش کنیم و آن را دستورالعمل زندگی خود قرار دهیم؛^۵ اما اهمیت دادن به تفسیر و تأمل در آیات قرآن، نباید جایگزین قرائت آن شود؛ چراکه خداوند عالم در قرائت این بهار دل ها نیز خیر و برکت قرار داده است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند:

۱. فرازی از زیارت شریف جامعه کبیره: «وَالْمُظْهَرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ».

۲. جامع الاخبار، ص ۴۸: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِقْرَءُوا الْقُرْآنَ يَلْخُونُ الْعَرْبَ وَأَصُولَهَا؛ قرآن را با صداها و لحن های عربی بخوانید.»

۳. کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۳، ح ۲۲۸۴: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «إِذَا قَرَأَ الْقَارِءُ الْقُرْآنَ فَأَخْطَأَ أَوْ لَحَنَ أَوْ كَانَ أَعْجَبِيئًا كَتَبَهُ الْمَلَكُ كَمَا أَنْزَلَ؛

قاری چنانچه قرآن را غلط یا اشتباه یا با لحن غیرعربی بخواند، فرشته آن را طوری می نویسد که نازل شده است (صحیح و کامل می نویسد).»

۴. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۲۰.

۵. الامالی (الامالی للشيخ الطوسي)، ص ۳۵۷ و ۳۵۸: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ وَ تَعَلَّمُوا غَرَائِبَهُ وَ غَرَائِبُهُ قِرَائَتُهُ وَ حُدُودُهُ قِرَاءَتُ الْقُرْآنِ نَزَلَ عَلَى خَمْسَةِ وَجُوهِ خَلَالِ وَ خَرَامٍ وَ مُحْكَمٍ وَ مُتَشَابِهٍ وَ أَمْثَالٍ فَاعْمَلُوا بِالْخَلَالِ وَ دَعُوا الْخَرَامَ وَ اَعْمَلُوا بِالْمُحْكَمِ وَ دَعُوا الْمُتَشَابِهَ وَ اعْتَبِرُوا بِالْأَمْثَالِ؛ قرآن بیاموزید و شگفتی های قرآن و مفاهیم و احکام و حدود آن را بیاموزید؛ زیرا قرآن بر پنج وجه نازل شده است: حلال و حرام و محکم و متشابه و مثل ها. به حلال قرآن عمل کنید و حرام را رها کنید؛ به محکماش عمل کنید و متشابه آن را واگذارید و از

مثل هایش پند گیرید.»

یا سَلَمَانُ عَلَیْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ شُتْرَةٌ مِنَ النَّارِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ.^۱
ای سلمان! بر تو باد به خواندن قرآن؛ زیرا قرآن خواندن کفاره گناهان و سپری در مقابل آتش و ایمنی از عذاب است.

۳. احترام این کتاب مقدس را حفظ کنیم: رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

الْقُرْآنُ أَفْضَلُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ دُونَ اللَّهِ فَمَنْ وَقَرَ الْقُرْآنَ فَقَدْ وَقَرَ اللَّهَ وَ مَنْ لَمْ يُوقِرِ الْقُرْآنَ فَقَدْ اسْتَحْخَفَ بِحَقِّ اللَّهِ وَ حُرْمَةِ الْقُرْآنِ كَحُرْمَةِ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ.^۲
قرآن بعد از خدا، بهترین و برترین چیزهاست. کسی که احترام قرآن را نگه دارد، به خدا احترام کرده است و کسی که حرمت قرآن را نگه ندارد، بی‌گمان حق خدا را ناچیز شمرده است. [در پیشگاه الهی،] احترام به قرآن، همانند احترام پدر برعهده فرزند است.

رعایت «آداب ظاهری» و «آداب باطنی» در مواجهه با این میراث ماندگار حضرت رسول ﷺ، باید در تمام زوایای زندگی یک خانوادهٔ مسلمان آشکار باشد. برخی از این آداب ظاهری عبارت‌اند از: اختصاص دادن بهترین جای خانه برای نگهداری قرآن، نگذاشتن قرآن روی زمین در حین قرائت و سکوت و گوش دادن به قرائت قرآن توسط دیگران.

مراتب برتر احترام به کلام‌الله شریف، آداب باطنی است که عبارت‌اند از: توجه به ترجمه و تأمل در آیات آن،^۳ توجه به عهدنامهٔ خداوند (قرآن مجید)، در نظر گرفتن زمانی برای آموزش

۱. جامع الأخبار، ص ۳۹.

۲. جامع الأخبار، ص ۴۶.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۷؛ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَحِفِّ عَنْهَا وَ سَلِّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ الْجَنَّةَ وَ إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَحِفِّ عَنْهَا وَ تَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ» هنگامی که به آیه‌ای رسیدی که یاد بهشت در آن است؛ درنگ کن و از خدا بهشت بطلب و وقتی به آیه‌ای رسیدی که یاد آتش در آن است؛ توقف کن و از آتش، به خدا پناه ببر.

قرآن، قرائت حداقل پنجاه آیه از آن در برنامه روزانه^۱ و

اختصاص بهترین فصل عمر (جوانی) برای بهره‌وری ویژه از قرآن نیز ادبی است که خداوند خیر فراوان در آن قرار داده است؛ همان‌گونه که **امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:**

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَكَانَ الْقُرْآنُ حَجِيرًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲.

مؤمنی که در جوانی قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خون او مخلوط می‌شود و خدا او را با سفیران بزرگوار و نیکوکار قرار می‌دهد و روز قیامت، قرآن نگهبان اوست.

تمام آنچه در بیان وظایف ما در برابر کلام وحی گفته شد، ساده‌ترین تکالیف ما در مقابل این کتاب زندگی است؛ اما باید بدانیم در زمانه غیبت که در آن زندگی می‌کنیم، با وجود هجوم بلاها و فتنه‌هایی که هر صبح و شام با آن‌ها روبه‌رو هستیم، اگر جایگاه این شفابخش دل‌ها، در حد قرائت و ترجمه باشد، نمی‌تواند جواب‌گوی نیازهای زمانه ظهور حجت الهی باشد. باید به آنجا برسیم که افکار و اخلاق و جهت‌گیری‌های امورمان و در سطوح بالاتر، برنامه‌ریزی‌های کلان جامعه، مطابق با رهنمودهای این سودمندترین کتاب باشد.

قانونی که به آن عمل نشود، سودی نداشته و کتاب هدایتی که در کتابخانه خاک بخورد، هدایت روح و جان را در بر نخواهد داشت. اگرچه گفتیم که صرف خواندن قرآن نیز عملی ارزشمند و زمینه‌ساز هدایت است؛ اما حقی را که بر گردن ما دارد، ادا نمی‌کند.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۹: امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ تَبَتَّعِيَ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَ أَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً؛ قرآن، عهدنامه خدا به بندگان اوست؛ پس شایسته است که مسلمان در عهدنامه‌اش بنگرد و روزی پنجاه آیه از آن را بخواند.»

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۳.

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند:

يَا مَعْشَرَ قُرْءِ الْقُرْآنِ اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا حَمَلَكُم مِّنْ كِتَابِهِ فَإِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنكُم مَسْئُولُونَ
إِنِّي مَسْئُولٌ عَنِ تَبْلِغِ الرِّسَالَةِ وَأَمَّا أَنْتُمْ فَتَسْأَلُونَ عَمَّا حَمَلْتُمْ مِّنْ كِتَابِ اللَّهِ وَشَيْئِي.^۱
ای جامعه قرآن خوانان! درباره آنچه خداوند از قرآن بر دوش شما نهاده است،
تقوای الهی را پیشه کنید؛ زیرا من و شما مسئولیم: من مسئول ابلاغ رسالتم و از
شما درباره آنچه از کتاب خدا و سنت من دارید، سؤال خواهد شد.

بنا بر این حدیث، ما نه تنها در برابر دستورات قرآن، بلکه در برابر سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ایشان و ائمه اطهار (علیهم السلام) به ما رسیده است نیز مسئولیم و باید به آن عمل کنیم. به راستی که از
جنبه دیانت، تفاوت ما با دیگر انسان‌ها، در عمل به دستورات کتاب خدا و معصومان (علیهم السلام) است؛
چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند:

مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ فَلَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَآثَرَ عَلَيْهِ حُبُّ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ [عَزَّ وَجَلَّ] وَ
كَانَ فِي الدَّرَجَةِ مَعَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ.^۲
کسی که قرآن را بیاموزد و به آن عمل نکند و دنیا دوستی و زینت آن را بر قرآن
ترجیح دهد، سزاوار خشم خداوند [عز و جل] است و در ردیف یهود و نصاری قرار
خواهد داشت که کتاب خدا را پشت سر انداختند.

این مهم (به جا آوردن حق قرآن)، به برنامه‌ای در محیط خانه نیاز دارد که انس به قرآن و
همپای آن محبت به اهل بیت (علیهم السلام) و توجه به راه و زندگی ایشان را در جان و دل اعضای خانواده
رشد داده و عمق بخشد؛ چرا که این بزرگواران (علیهم السلام)، خود قرآن ناطق هستند و تفسیر و تأویل آن.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۸۳.

در چنین خانه‌هایی است که خواندن قرآن، برای اهل خانه، ثمره‌هایی چون آسان شدن امور،
زیادی خیر و فوزی در علم و ایمان و عمل صالح را در بر خواهد داشت.



دو کلمه خانۀ

والدین درختانواده

دنیا را با دو پای مهر شما پیمودم و با دو دست حوصلۀ شما شناختم. خداوند را در وجودتان متجلی دیدم؛ چرا که شما خداوند خانه بودید و آنچه طلب می‌کردم، مهیّا می‌کردید. اکنون که وجود قد کشیده، محبت و مراقبت شما فرقی نکرده است و همچنان دو باغبان بهشتی هستید؛ اما این بار، من آگاه‌ترم و می‌دانم که هر لحظه تعالی و هر ذره موفقیت من در دنیا و عقبی، به دعا و خشنودی شما وابسته است و بهشت رضای خدا، سرانجام شکرگزاری من در برابر زحمات جبران‌ناپذیر شماست؛ پس دعایم کنید تا بنده شاکری باشم.

در نوشته امام رضا (علیه السلام) به مأمون آمده است:

بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كُنَّا مُشْرِكِينَ وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

نیکی به پدر و مادر واجب و لازم است؛ اگرچه مشرک و کافر باشند؛ ولی در معصیت خداوند عز و جل، نباید اطاعتشان کرد.

نعمت وجود پدر و مادر، از مهربانانه‌ترین نعمت‌های الهی در این گستره خاکی است. اگرچه خداوند وجود مهربان ولی و حجت خود را بر روی زمین همیشگی قرار داده و زمانه ما را نیز به وجود ولی عصر (ارواح‌نافه) مزین فرموده است؛ اما آدمی از بدو تولد سایه مهر خداوندی را در آغوش گرم دو انسان فرشته‌خوی دیگر نیز احساس می‌کند که دلسوزانه و بی‌چشمداشت، بی‌هیچ علت و منفعت شخصی، دوستش دارند. خداوند که خود رب و پروردگار است، پدر و مادر را واسطه پرورش بندگان قرار داده است.

سپاسگزاری از نعمت وجود والدین و جبران زحمات این دو گوهر شایسته اکرام، برای انسان در هر مرتبه از شعور و معرفت که باشد، تمرین است؛ تمرینی برای درک عمیق تر لطف و رحمت خالق یگانه.

شاید به خاطر چنین ریزدلالی باشد که خداوند به اطاعت پدر و مادر، بلافاصله بعد از اطاعت خود تأکید فرموده^۲ و تکلیفی بزرگ بر گردن انسان می‌نهد که برای شناخت و انجام درست آن باید به کلام خزانه داران علم^۳ و جایگاه‌های رسالتش^۴ پناه برد.

در حدیث شریفی که در آغاز سخن آمد، دیدیم که امام رئوف، نیکی به پدر و مادر را واجب و

۱. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲. اسراء، ۲۳: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَنْفَرَنَّ مِنْكَ الْكِبَرُ أَخَذَهُمَا أَوْ يَلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»

۳. فرازی از زیارت شریف جامعه کبیره: «وَحُزْنَ الْعِلْمِ».

۴. فرازی از زیارت شریف جامعه کبیره: «وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ».

لازم دانسته اند؛ چنان که امیرسخن، **امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)** نیز می‌فرماید:

بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ^۱

بزرگ‌ترین تکلیف الهی، نیکی به پدر و مادر است.

انسانی که نه به حکم هدایت و فقط به حکم فطرت و عقل اندیشید و جبران و سپاسگزاری را در برابر هر نیکی بر خود واجب دانست، در برابر ایثار بی حد و حصر پدر و مادر که از جوانی و لذت و سلامتشان برای او مایه گذاشته‌اند، چگونه می‌تواند رفتاری جز نیکی و خاکساری نشان دهد! از این روست که در کلام امام راستی‌ها، صادق آل محمد (علیهم السلام) اهمیت احسان به والدین، هم‌ردیف پرستش خدا و جهاد به فرمان ولی خدا معرفی می‌شود.^۲ این بزرگوار، نیکی به پدر و مادر را نشانه رشد معرفت و شناخت شایسته بنده از خدا دانسته‌اند؛ معرفی که اگر با جوهره دین و هدایت همراه شود و بالاتر از آن، صبغه الهی به خود گیرد و به خاطر خدا باشد، حتماً سریع‌تر از هر سبیری، انسان را به رضایت الهی رسانده و عرش نشین خواهد کرد.^۳

اما منظور از برّ و نیکی چیست و چه مصادیقی برای آن‌ها بیان شده است؟

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدن به برّ و نیکی را در گرو سه چیز دانسته‌اند:

ثَلَاثٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ سَخَاءُ النَّفْسِ وَ طَيْبُ الْكَلَامِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى.^۴

سه چیز از درهای نیکی است: سخاوت نفس و نیکویی گفتار و شکیبایی در برابر آزار.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۸۵: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الصَّلَاةُ لَوْفِيهَا وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، برترین کارها عبارت‌اند از: نماز در وقتش، نیکی به پدر و مادر و جهاد در راه خدا.»

۳. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۷۷: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ خَشَنِ مَغْرَقَةِ الْعَبْدِ بِاللَّهِ إِذْ لَا عِبَادَةَ أَسْرَعَ بُلُوغًا بِصَاحِبِهَا إِلَى رِضَى اللَّهِ مِنْ خَزَمَةِ الْوَالِدَيْنِ الْمُسْلِمَيْنِ لَوْحِهِ اللَّهُ تَعَالَى: نیکی به پدر و مادر نشانه شناخت شایسته بنده از خداست؛ زیرا هیچ عبادتی زودتر از رعایت حرمت پدر و مادر مسلمان به خاطر خدا، انسان را به رضایت خدا نمی‌رساند.»

۴. تحف العقول عن آل الرسول (علیهم السلام)، ص ۸.

جالب است که هر سه مطلب اشاره شده در این حدیث، در برخورد با والدین توصیه شده است: **سَخَاوَتِ نَفْسٍ:** محبت و انجام وظایف در برابر والدین، بدون چشمداشت به دارایی آن‌ها. **نِیکوئی گفتار:** مراعات ادب و احترام در انتخاب کلمات، لحن کلام، بلندی صدا و... در گفت‌وگو با والدین.

شکیبایی در برابر آزار: صبر در برابر محبت‌های دخالت‌گونه، والدسالاری‌ها و...؛ چراکه پدر و مادر هم اگرچه عاشق فرزندان و خیرخواه او، ولی باز هم ممکن است به حسب انسان بودن خطا کنند و با توجه به اینکه قبولی اعمال درگرو رضایت آن‌هاست، انسان عاقل در برابر این‌گونه برخورد‌های والدین صبر و تحمل می‌کند. **امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند:**

مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبَوَيْهِ نَظْرَ مَاتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً^۱

آن‌که به پدر و مادرش که به او ستم کرده‌اند، از روی نفرت و خشم نگاه کند؛ نمازش در درگاه الهی پذیرفته نمی‌شود.

در بیان و توضیح تکلیف سنگین احترام به والدین، بررسی دیگر کلمات معصومان (علیهم السلام) درباره مصادیق نیکی و احسان و چگونگی برخورد با والدین، راهگشاست: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بنده‌ای را که مطیع پدر و مادر و پروردگارش باشد، روز قیامت در بالاترین جایگاه^۲ و نگاه محبت‌آمیز فرزند به پدر و مادرش را عبادت دانسته‌اند.^۳

در معنای آیه «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، **ششمین معصوم (علیه السلام) فرموده‌اند:**

۱. الکافی، ج ۴، ص ۶۵.

۲. نهج الفصاحه، ص ۵۷۸، ح ۲۰۰۴: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «الْعَبْدُ الْمُطِيعُ لَوَالِدَيْهِ وَلِرَبِّهِ فِي أَعْلَى عِلِّيَّينَ؛ بنده‌ای که مطیع پدر و مادر و پروردگارش باشد، روز قیامت در بالاترین جایگاه است.»

۳. كشف الغمة فی معرفة الأئمة (علیهم السلام)، ج ۲، ص ۲۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۸۰: «نَظَرُ الْوَلَدِ إِلَى وَالِدَيْهِ خُبْرٌ لِهَمَّا عِبَادَةٌ.»

اَلْاِحْسَانُ اَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا وَ اَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا اَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِّمَّا يَخْتَاَجَانِ اِلَيْهِ وَ اِنْ
كَانَا مُسْتَغْنَيْنِ.^۱

احسان به پدر و مادر این است که رفتارت را با آن‌ها نیکو کنی و مجبورشان نکنی تا چیزی که نیاز دارند، از تو بخواهند؛ گرچه خودشان بی‌نیاز باشند.
از فرمایش امام صادق (علیه السلام) این‌گونه برمی‌آید که فرزندان باید قبل از درخواست والدین، نیاز آن‌ها را برطرف کنند. همین بزرگوار، در ادامه می‌فرماید:

لَا تَمْلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّةٍ وَ لَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَ لَا يَدَّكَ
فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَ لَا تَقْدَمْ قَدَامَهُمَا.^۲

چشم‌هایت را جز از روی دلسوزی و مهربانی به پدر و مادر خیره مکن، صدایت را از صدای آنان بلندتر نکن، روی دست آن‌ها بلند نشو (در برابر آن‌ها اعمال قدرت نکن) و جلوتر از آنان راه نرو.

آن‌گونه که در بیان امام رضا (علیه السلام) در مطلع سخن آمد، خداوندی که بنده‌اش را فقط به خاطر مقام پدر و مادری، چنین محترم و عزیز و مکرم می‌داند، اگرچه از فرمان‌برداری از والدین در انجام معاصی نهی می‌کند؛ اما نمی‌پسندد که فرزندان حتی ذره‌ای، ولو به اندازه یک آف‌گفتن، سبب ناخرسندی والدین شوند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده‌اند:

مَنْ أَحْزَنَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ عَفَّهُمَا.^۳

کسی که پدر و مادر خویش را غمگین کند، عاق والدین شده است (حق آن‌ها را رعایت نکرده است).

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۷.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۸.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۲.

با مرور این همه سفارش معصومان (علیهم السلام) به رعایت احترام و نیکی به والدین، درمی یابیم که این بزرگواران (علیهم السلام)، پدر و مادر را بدون در نظر گرفتن دین و مسلکشان، لایق تکریم و احترام می دانند؛ حتی اگر این پدر و مادر، مشرک و کافر باشند و خود نمک رحمت و لطف خداوند را چشیده و نمکدان شکسته باشند! براساس فرمایشی از امام باقر (علیه السلام) نیز خداوند متعال، اجازه ترک سه چیز را به احدی نداده است: ۱. ادای امانت به نیکوکار و فاسق؛ ۲. وفای به عهد و پیمان در برابر نیکوکار و فاسق؛ ۳. نیکی به پدر و مادر، چه نیکوکار باشند و چه فاسق و لایبالی.^۱

با درک عظمت آنچه در مقام والدین بیان شد، هلاکت و بدبختی آنان که پافرا تراز خط قرمزها می گذارند و عاق والدین می شوند، منطقی به نظر می رسد. کلام پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) مؤید این مطلب است؛ چرا که خشنودی و خشم الهی را در گرو خشنودی و خشم والدین دانسته^۲ و نیز می فرماید:

ثَلَاثَةٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعَجِّلُ عُقُوبَتَهَا وَ لَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ: عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْبَغْيُ عَلَى النَّاسِ وَ كُفْرُ الْإِحْسَانِ.^۳

کیفر سه گناه برای قیامت نمی ماند [و مرتکب آن ها، در همین دنیا مجازات می شود]:
۱. عاق شدن از سوی پدر و مادر؛ ۲. ظلم و تجاوز به مردم؛ ۳. ناسپاسی در مقابل احسان و نیکی.

این نکته هم درخور توجه است که در زمینه حقوق پدر و مادر، در کلام امام سجاد (علیه السلام)، هشتاد حق بیان شده است که چهل حق، مربوط به زمان زنده بودن و چهل حق مربوط به پس از حیات آنان است. ممکن است فردی به خاطر رعایت حال پدر و مادر در زمان حیاتشان، رضایت آن ها و خداوند را جلب کرده باشد؛ اما همین فرد با توجه نکردن به حقوق پدر و مادر پس از

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۶: «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رَحْمَةً أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبُزْوِ وَالْفَاجِرِ...»

۲. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۰؛ نهج الفصاحة، ص ۷۶۰: «مَنْ أَرْضَى وَالِدَيْهِ فَقَدْ أَرْضَى اللَّهَ وَ مَنْ أَسْخَطَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ أَسْخَطَ اللَّهَ.»

۳. الأمالی (الأمالی للشيخ الطوسي)، ص ۱۴.

مرگشان، عاق شود یا برعکس، در زمان حیات خوب عمل نکرده باشد؛ ولی باتوجه به حقوق پدر و مادر پس از مرگشان، آن‌ها و خداوند را راضی کند.

توصیه به احترام و نیکی به پدر و مادر، در متون روایی و مهم‌تر از آن، در کلام خالق مهربان (قرآن کریم)، چنان فراوان به چشم می‌آید که گاه به نظر می‌رسد زیاددین نشان، از توجه به جایگاه حقیقی این مطلب کاسته است؛ اما این طور نیست! درواقع نگاه سرسری به این گونه ارزش‌ها، به علت نشناختن این جایگاه‌های رفیع است؛ وگرنه با کمی دقت درمی‌یابیم که دلیل این همه تکرار و تأکید، اهمیت و تأثیر شگفت‌انگیزی است که عمل به این دستورات در کمال و عاقبت به‌خیری انسان‌ها دارد. پس بی‌راه نیست که عاشقان دلسوخته، در محضر معصومان (علیهم‌السلام)، به گفتن «بَنَفْسِي أَنْتَ» بسنده نمی‌کنند و عَرَضه می‌دارند: «يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي»! چرا که درواقع عزیزترین دارایی‌های خود و بهترین وسایلی که آن‌ها را به خدا نزدیک می‌کند، واسطه قرار می‌دهند.

فراموش نکنیم که برای رسیدن به مراتب بندگی و فهم اطاعت از امر ولی خدا، باید از این تکلیف‌ها و تمرین‌ها آغاز کرد و بدون اطاعت از والدین در همهٔ امور، جز معصیت الهی، نتوانسته‌ایم و نخواهیم توانست از امر ولی خدا پیروی کنیم.



ستون خانۀ

مرد در خانواده

وجود سروگونه‌ات تکیه‌گاه پیچک نازک وجود همسرت است و سایهٔ همت و شجاعت، بهترین پناه اهل خانه. چراغ خانه به برکت دستانت روشن است؛ ورود قدومت، به خانه نشاط و جان می‌بخشد؛ صداقت و پاک‌دامنی‌ات، اسطوره‌ای است پوریایی؛ چراکه دل اهل خانه را وجود تو قرص و محکم می‌کند. باین همه، به اذن مهربانی خدا، همراهی فرشته‌ای با تو حلال شده که وجودش نیمی یادت باشد شادابی و سرزندگی این ریحانه، به دست باغبان گونهٔ توست! از ماه دینت را کامل می‌کند.

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

اللّٰذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ أَكْبَرُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.^۱

به آن‌که (مردی که) با کار و زحمت، به دنبال کسب درآمدی از فضل خداوند است تا نیازهای همسر و خانواده‌اش را تهیه کند، پاداشی برتر از مجاهدی راه خدا، داده می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از وظایف مهم مردان، برآورده کردن نیازهای مادی و اقتصادی خانواده است. اگرچه خداوند متعال مقدر فرموده است که کسب معاش، به عهده مرد باشد؛ اما درست نیست اهمیت وجود مرد را فقط در تأمین مخارج خانواده دانست. روزی رسانی عهده‌ای است که خداوند متعال درباره همه موجودات به عهده گرفته است و در نبود مردان نیز، روزی بندگانش را می‌رساند. دقت در امور خانواده‌هایی که مرد خانه را از دست داده‌اند، نشان می‌دهد که اگرچه اکثر آن‌ها در تأمین نیاز مالی خود دچار مشکل شده‌اند؛ اما چیزی که بیش از آن رنجشان می‌دهد، نبود ناظر و مدیر خانواده است.

در عرصه زندگی خانوادگی، جایگاه مدیریتی و نظارتی مرد از دیگر وظایفش مهم‌تر به نظر می‌رسد؛ به طوری که نمی‌توان برای آن، هیچ جایگزینی یافت؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْمَرْءَ يَخْتَأُجُ فِي مَرْئِلِهِ وَ عِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خِلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبْعِهِ ذَلِكَ مُعَاشَرَةً جَمِيلَةً وَ سَعَةً بِتَقْدِيرٍ وَ غَيْرَهُ بِتَحْصُنٍ.^۲

هر مردی برای اداره کردن خانواده خود به سه خصلت نیازمند است و باید آن‌ها را به کار برد؛ هرچند این ویژگی‌ها در طبیعت او نباشد: ۱. رفتار پسندیده و زیبا

۱. الکافی، ج ۵، ص ۸۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۶؛ تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ص ۳۲۲.

با افراد خانواده؛ ۲. گشاده‌دستی حساب‌شده و از روی برنامه؛ ۳. غیرت‌ورزی به منظور حفظ خانواده.

براساس سخن پرحکمت امام صادق (علیه السلام)، برای مرد خانه سه‌گونه مدیریت تعریف می‌شود:

۱. مدیریت عاطفی خانواده؛

۲. مدیریت مالی و معیشتی خانواده؛

۳. مدیریت حجاب و حریم خانواده.

توجه به این نکته ضروری است که یک مرد با تمام این ویژگی‌ها متولد نمی‌شود؛ بلکه این مدیریت و مهارت‌ها اکتسابی است و باید به دنبال آموزش این مهارت‌ها باشد.

مدیریت عاطفی خانواده

از دیگر وظایف مهم مرد، تأمین نیازهای عاطفی همسر و فرزندان است. با تجربه و مرور مبنای روان‌شناسی به این مطلب می‌رسیم که شور و نشاط خانواده، از طرف مادر به سایر اعضا سرایت پیدا می‌کند؛ اما نشاط و سرزندگی زن چگونه تأمین می‌شود؟ پاسخ روشن است؛ با محبت و توجه ویژه مرد به زن. در تأیید این مطلب می‌توان از این فرمایش استفاده کرد که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «این سخن مرد که به زنش بگوید: 'دوستت دارم'، هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود.»

محبت به همسر، از توجه به خوراک و پوشاک و مسکنش آغاز می‌شود که توجه به جسم اوست؛ اما به این ختم نمی‌شود؛ توجه به روح زن، با سختی و ظرافت خاص همراه است و هنر مردانه می‌خواهد؛ آن هم از جنس هنر مردان خدا!

در روایتی از امام رضا (علیه السلام)، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند:

أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَأَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَأَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي.^۱

باایمان‌ترین مردم، شخصی است که از همه خوش‌اخلاق‌تر و با خانواده‌اش مهربان‌تر باشد و من از همه شما به خانواده‌ام مهربان‌ترم.

انسان باایمان برای تأمین امنیت و شادی روانی افراد خانواده، احساس مسئولیت می‌کند و این را از مراتب حق الناس می‌داند. انسان‌های والا سعی می‌کنند هیچ‌گونه حقی برگردنشان نماند؛ چه رسد به حق همسر و فرزندانشان که از رفتار با آن‌ها، از ایشان سؤال می‌شود.

حضرت خاتم علیه السلام در حدیث مهمی، این مطلب را چنین بیان می‌کنند:

برادرم جبرئیل همواره به من سفارش زنان را می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که گمان کردم روا نیست حتی مردی به زنش اُف بگوید! [جبرئیل] به من خبر داد که: «ای محمد! از خدا دربارهٔ زنان بترس؛ زیرا آنان امانت‌هایی در دست شما هستند. آنان را به‌عنوان امانت و به‌دستور خدا و با کلمات او و سنت و شریعت محمد بن عبدالله (پیامبرش) برخورد حلال کرده‌اید؛ پس بدان سبب که جسم آنان بر شما حلال شده و شما با آنان تماس بدنی برقرار می‌کنید و از آن رو که فرزندان شما را در درون خود حمل کرده و دردهای بارداری و زایمان را تحمل می‌کنند، بدانید که بر شما حق واجب دارند؛ با آنان مهربان باشید و دلشان را با محبت‌های خود به دست آورید تا همواره در سرد و گرم زندگی با شما باشند. زنان را ناخوش ندانید، به آن‌ها خشم نورزید و از آنچه [به‌عنوان هدیه با مهریه یا نفقه] به آنان داده‌اید، جز با رضایت و اجازهٔ خودشان، چیزی را پس نگیرید.»^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۲. مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲ و ۲۵۳: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَأَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَأَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي حَتَّى تَلْتَمِسَ أَنْ لَا يَجَلَ لِرُؤُوسِهِمَا أَنْ يَقُولَ لَهَا أَفٍّ يَا مُحَمَّدٌ...»

خوش اخلاقی، خوش رویی، خوش زبانی،^۱ دادن هدیه، گفت و گوی صمیمی با همسر و گوش دادن به سخنان او، صبر و بردباری در برابر بداخلاقی های همسر، گذشت از خطاهای همسر، وفاداری به همسر و کمک به همسر در کارهای خانه، بخشی از راهکارهای حفظ و تقویت محبت و رحمت خدادادی بین زن و شوهر است. درباره کمک به همسر در کارهای خانه، حضرت رسول ﷺ در کلام پر معنا و قابل تأملی فرموده اند:

هر مردی که در کارهای منزل به همسرش کمک کند؛ خداوند متعال به تعداد هرتار مویی که در بدنش روییده است، ثواب یک سال عبادتی را عطا می کند که روزهایش را روزه بوده و شب هایش را به عبادت ایستاده باشد. همین طور خداوند پاداشی را که به حضرت داوود و یعقوب و عیسی (علیهم السلام) عنایت کرده است، به او نیز عنایت می کند. ... هر که در داخل منزل، با میل و رغبت، به اهل خانه کمک کند و از این کار، احساس منفی و ناخوشایندی نداشته باشد، خداوند نام او را در دیوان شهدا ثبت می کند و به تعداد هر شبانه روز، ثواب هزار شهید و به تعداد هر گامی که در راستای کمک به اهل خانه برمی دارد، ثواب یک حج و عمره و به تعداد رگ های بدنش، شهری در بهشت به او عطا می کند. ... خدمت عیال، کفاره گناهان کبیره است و غضب پروردگار را باز می نشاند و مهر حورالعین است و حسنات و درجات را زیاد می کند. ... به عیال خدمت نمی کند؛ مگر صدیق یا شهید

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷. امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «لَا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ وَ هِيَ الْمُؤَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَ مُحِبَّتَهَا وَ هَوَاهَا وَ حُسْنَ خُلُقِهِ مَعَهَا وَ اسْتِعْمَالُهُ قَلْبَهَا بِالْهَيئَةِ الْخَسَنَةِ فِي غَنِيَّتِهَا وَ تَوْسُّعَتِهَا عَلَيْهَا؛ مرد در ارتباط با همسرش از سه چیز بی نیاز نیست: ۱. موافقت و همراهی [با خواسته ها و پیشنهادات منطقی و مشروع همسر] و خوش اخلاقی (خوش رویی، خوش زبانی، خوش رفتاری) با او تا [در تصمیماتی که برای زندگی می گیرد] بتواند محبت و میل و همراهی همسرش را به دست آورد؛ ۲. داشتن سیمای آراسته و زیبا در برابر همسرش تا دل او را شیفته خود کند؛ ۳. ایجاد توسعه و رفاه اقتصادی در زندگی.

یا مردی که خداوند برای او خیر دنیا و آخرت را می‌خواهد.^۱

مدیریت مالی خانواده

چنان‌که اشاره شد و طبق حدیث امام رضا علیه السلام، یکی از وظایف مهم مرد، مدیریت مالی با هدف تأمین نیازهای مادی اعضای خانواده و سایر واجب‌النفع‌ها مثل پدر و مادر است. در این زمینه، در کلام حضرات معصومین علیهم السلام به نکاتی اشاره شده است؛ از جمله:

۱. **انتخاب شغل مناسب** (به دور از دروغ و دغل و پارتی و...):

۲. **کسب روزی حلال**: کسب روزی حلال چنان مهم است که عاقبت انسان را حتی در شکم مادر رقم می‌زند؛ برای همین بزرگان دین، بارها و بارها، به کسب حلال تأکید کرده و می‌کنند.

۳. **تلاش برای کسب درآمد به میزان کفاف** (در حد اداره آبرومندانۀ زندگی)؛

امام کاظم علیه السلام فرموده‌اند:

عِبَالُ الرَّجُلِ أَسْرَاؤُهُ فَمَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلْيُوسِّعْ عَلَى أَسْرَائِهِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ أَوْ شَكَ أَنْ تَزُولَ تِلْكَ النِّعْمَةُ.^۲

خانواده مرد در اختیار او هستند [و او مسؤول تأمین محترمانۀ نیازمندی‌های آنان است]؛ پس هرکه خداوند به او نعمتی عنایت کرده و گشایشی در میزان درآمدش ایجاد کند، باید خانواده‌اش را [به دور از اسراف و تبذیر،] در رفاه و آسایش بیشتری قرار دهد؛ در غیر این صورت، این خطر وجود دارد که آن نعمت از کف او برود.

۴. **ایجاد رفاه و آسایش به دور از اسراف و تجمل‌گرایی**؛

علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده‌اند:

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲؛ جامع الأخبار، ص ۱۰۲؛ «مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي تَبَيُّثِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَفْرَةٍ عَلَى تَدْنِيهِ عِبَادَةٌ سَنَةٍ حَتَّى يَمُوتَ»

نَهَا زَهْرًا وَ قِيَامَ لَيْلِهَا ...»

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۶.

صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ^۱.

بر صاحب نعمت (کسی که نعمت و تمکّن دارد)، واجب است که عیال (افراد تحت تکفل) خود را در رفاه قرار دهد.

۵. اعتدال در مصرف و هزینه کردن متناسب با سطح درآمد.

مدیریت حریم و حجاب خانواده

این مدیریت (غیرت ناموسی در حفظ حریم خانه و اهلش)، برای حفظ کیان خانواده، به طور خدادادی در وجود مرد نهاده شده است؛ اما با توجه به زمانه ای که در آن زندگی می کنیم، خوب است مردان خانه، مهارت بیشتری درباره اجرای آن بیاموزند.

قبل از هر چیز، باید به این مطلب اشاره کنیم که براساس دیدگاه اسلام، مرد به عنوان مسئول و مدیر خانواده، وظیفه دارد خانواده را براساس آموزه های دینی اداره کند و تلاش کند که خود و اعضای خانواده، به آموزه های دینی متعهد و پایبند باشند. در احادیث، برای این وظیفه و مدیریت دینی مرد، مصادیقی بیان شده است که عبارت اند از: آموزش تعلیم دینی، دعای دسته جمعی برای غلبه بر مشکلات، بیدار کردن خانواده برای نماز، تلاش برای بهشتی کردن تمام اعضای خانواده و...
براین اساس، محکم کردن بنیان دینی و اعتقادی خانواده، از کارسازترین روش های حفظ حریم ناموسی آن است. به یقین اعضای یک خانواده متدین، به خاطر تقیّد به دین، در رفتار و کلام خود، حیا و عفت بیشتری را نشان می دهند. در فصل «حریم خانه» به این مسئله و مصادیقش بیشتر می پردازیم.

در این راستا باید به این نکته توجه داشت که محبت زیاد مرد به همسرش، نباید مانع حفظ این حریم ها شود؛ آن چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام می فرمایند:

۱. مسند الإمام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۵.

يَا عَلِيُّ مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ.

ای علی! هرکس از زنش اطاعت کند (با درخواست‌های نامشروع زنش موافقت کند)، خداوند عز و جل، او را به رو در آتش می‌افکند.

امام علی (علیه السلام) فرمودند:

وَمَا تِلْكَ الطَّاعَةُ؟

این اطاعت چیست؟

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) [به عنوان نمونه] فرمودند:

يَأْذُنُ لَهَا فِي الدِّهَابِ إِلَى الْحَمَامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالنَّايِحَاتِ وَئُسِ النَّيَابِ الرِّقَاقِ^۱.

اجازه دادن به او برای رفتن به حمام‌ها (امروزه مثل ساحل دریا و استخرهایی که در آن حریم‌ها رعایت نمی‌شود) و عروسی‌ها (مراکز ناسالمی که زن از اختلاط نامناسب و تعدی نامحرمان در امان نیست) و نوحه‌سرایی‌ها (مجالس سوگواری که زنان بی‌توجه به حضور نامحرمان موهایشان را افشان می‌کنند و به سروصورت می‌زنند یا صدا به ناله بلند می‌کنند و...) و پوشیدن لباس‌های نازک و بدن‌نما.

خالی از لطف نیست که بدانیم عواملی هم وجود دارند که از ناحیه مرد، سبب فروپاشی یا تزلزل بنیان خانواده می‌شود: آزاررسانی به همسر، اهانت و تحقیر همسر، بخل‌ورزیدن در تأمین نیازمندی‌های خانواده، بدرفتاری و بدگفتاری، بی‌عدالتی رفتاری بین چند همسر، تنوع‌طلبی جنسی و بی‌وفایی، رهاکردن خانواده به حال خود و نداشتن احساس مسئولیت در برابر آنان، بخشی از این علت‌هاست.

به امید روزی که با تشکیل و تحکیم نهاد خانواده براساس آموزه‌های دینی، زمینه‌ساز ظهور حضرت ولی عصر (علیه السلام) و شاهد برافراشته‌شدن پرچم توحید در سراسر عالم باشیم.



تجارتخانه

زن در خانواده

خداوند وجود بهشتی‌ات را مایه آرامش و تسکین شوهرت قرار داد تا از هنگامه جهادهای روزانه به مهربانی و ادب و تمکینت پناه آوزد و بذر فرزندان، این گل‌های بهشتی، در آغوش خداگونه تو پرورش یابد. خدای مهربان، بر تو منت نهاد و تأمین مایحتاج را به دیگری واگذارد تا پیچک وجودت به دور قامت سروگونه‌اش پیچیده و تا بهشت بیابد و او را صاحب اختیار امر خویش بدانی؛ پس جهادت را تسخیر و حفظ دژ الهی قلب او قرار داد، برای استواری عزیزترین بنا در نزد پروردگار! یادت باشد، کارگزار خوب خدا باشی در جهادهای همیشگی‌ات در سنگر خانه و به‌ثمر رساندن فرزندان؛ این گل‌های بهشتی!

امام رضا علیه السلام از امام علی علیه السلام روایت فرموده‌اند:

خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْخَمْسُ.

بهترین زنان شما، زنی است که پنج خصلت داشته باشد.

گفته شد: «آن پنج خصلت کدام‌اند؟»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

أَلْهَيْتَهُ اللَّيْتَةُ الْمُؤَاتِيَةُ الَّتِي إِذَا غَضِبَ زَوْجُهَا لَمْ تَكْتَحِلْ بِغُمُضٍ حَتَّى يَرْضَى وَإِذَا غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا حَفِظَتْهُ فِي غَيْبِهِ فَتِلْكَ عَامِلٌ مِنْ عَمَالِ اللَّهِ وَ عَامِلُ اللَّهِ لَا يَخِيبُ.^۱

سهل گیر باشد و سخت نگیرد؛ نرم خو و آرام باشد و تند خو نباشد؛ از شوهر خود اطاعت کرده و فرمانبرداری داشته باشد؛ هرگاه شوهرش را به خشم آورد، چشم بر هم نگذارد تا او را راضی کند و هرگاه شوهرش از وی غائب شد، مال و آبروی او را حفظ کند. چنین زنی از کارگزاران خداوند است و کارگزاران خداوند از رحمت او ناامید نیستند (آن که برای خدا کار کند، تلاشش بیهوده نمی‌ماند).

آنچه در وهله اول، در این کلام نورانی امام ثامن علیه السلام به چشم می‌خورد، اشاره به وظایف همسری زن است؛ چنان‌که انجام این امور، زن را به درجات «بهترین زنان» و «کارگزاری خداوند» نائل می‌کند. دقت و تأمل بیشتر در کلمات معصومان علیهم السلام، این حقیقت را نمودار می‌کند که تکامل و تعالی زن در امر ازدواج و همسررداری دیده شده است. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که خود از هر جهت، برگزیده زنان هستند، در جواب سؤال پدرشان به این مهم اشاره فرموده‌اند.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحاب خود پرسیدند:

فَمَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا؟

در کدام لحظه، زن به خدا نزدیک‌تر است؟

هیچ کدام پاسخ قانع کننده ای ندادند تا اینکه این سؤال به گوش حضرت زهراء (ع) رسید. ایشان فرمودند:

أَذْنِي مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ فَعَرَبِيَّتَهَا.

[زن،] زمانی به پروردگارش نزدیک تر است که [جهت ایفای نقش همسری و مادری خود] پیوسته ملتزم به حضور در خانه اش باشد.

وقتی که پاسخ حضرت فاطمه (ع) را به پیامبر (ص) رساندند، آن حضرت (ص) فرمودند:

إِنَّ فَاطِمَةَ بَصْعَةٌ مِنِّي (ع).

[درست گفته است؛] به درستی که فاطمه (ع) پاره تن من است.

دقت کنید که حضرت زهرا (ع)، این الگوی کامل تمام مردان و زنان، به وظیفه عمیق و دقیق زن در خانه اشاره فرموده اند. در عرصه زندگی، نقش زن در رشد و تعالی معنوی افراد خانواده، پررنگ تر از هر جای دیگری به چشم می خورد؛ از طرفی براساس آموزه های دینی، وظایف زن در مقام همسری و بعد مادری معنا می شود. خداوند، این مخلوق را برای این دو مقام ویژه آفریده است؛ طوری که تعالی و شکوفایی نعمت های خدادادی زن (مهربانی، صبر، خلاقیت، کدبانوگری، ولایت پذیری و...) را نیز در همین مسیر قرار داده است. براین اساس ابتدا توصیه بزرگان دین را در رابطه با ازدواج بررسی کرده و بعد به وظایف زن و مصادیق آن اشاره می کنیم.

فضیلت ازدواج

مطالعه آموزه های اولیای دین که بخشی از آن به نقش زن و مسئولیت های او درقبال رشد و تعالی نهاد خانواده اشاره دارد، این مطلب را روشن می کند که چرا به ازدواج زنان در سن

مناسبشان، چون میوه تازه و رسیده، فراوان تأکید شده است و عبادت و بندگی خدا، خود را وقف امور خیر کردن، بهانه‌های تحصیلی، دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی و کسب و کار و استقلال مالی، هیچ‌کدام نمی‌تواند جایگزین امر ازدواج یا حتی علت تأخیر آن باشد.
از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است:

إِنَّ أَمْرًا سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) فَقَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنِّي مُبْتَلًى.

زنی به حضور امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شد و عرض کرد: «خدا خیرتان دهد؛ من زنی تارک دنیا برای تقرب به خدا هستم.»

امام (علیه السلام) از او پرسیدند:

وَمَا التَّبَلُّ عَنْكَ؟

منظورت از ترک دنیا چیست؟

گفت:

لَا أُرِيدُ التَّزْوِيجَ أَبَدًا.

تصمیم دارم هیچ‌گاه ازدواج نکنم.

امام (علیه السلام) سؤال کردند: «چرا چنین تصمیمی گرفته‌ای؟!» آن زن پاسخ داد:

أَتَمَسُّ فِي ذَلِكَ الْفَضْلَ.

برای اینکه فضیلت و شرافتی در راه خدا به دست آورم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

إِنْصَرَفِي فَلَوْ كَانَ فِي ذَلِكَ فَضْلٌ لَكَانَتْ فَاطِمَةُ (علیها السلام) أَحَقَّ بِهِ مِنْكَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَى الْفَضْلِ.^۱

از این تصمیم منصرف شو! اگر در ترک ازدواج فضیلتی بود، فاطمه (علیها السلام) به آن سزاوارتر بود؛ زیرا هیچ کسی نیست که در فضیلت ها از فاطمه سبقت گرفته و پیش افتد. ائمه اطهار (علیهم السلام) که کامل ترین حکما و هادیان بشرند، تکامل معنوی و عاقبت به خیری زن را در ازدواج و همسری او می بینند؛ چنان که رسول خاتم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ ظَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ بِرَوْحَةٍ.

هر که دوست دارد پاک و پاکیزه خداوند را دیدار کند، با داشتن همسر، به دیدارش برود.^۱

وظایف زن

دین، خانواده ای را مطلوب می داند که جایگاه زن و مرد در آن این گونه تقسیم شود: آقا مدیریت باشد که اصول کلی و بایده و نبایدهای خانواده را بیان کرده و نظارت بر چگونگی انجامشان را برعهده می گیرد و خانم، وکیلی که زمینه اجرای این بایده و نبایدها و قوانین را در فضای خانواده فراهم کند؛ چنان که رسول خوبی ها (صلی الله علیه و آله) فرموده اند:

كُلُّ نَفْسٍ مِنْ بَنِي آدَمَ سَيِّدٌ فَالرَّجُلُ سَيِّدُ أَهْلِهِ، وَالْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا.^۲

هر انسانی، فرمانروا و مدیر است: مرد، فرمانروا و مدیر [کلان] خانواده اش و زن، فرمانروا و مدیر [داخلی] خانه خود است.

براساس این کلام حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و دیگر احادیث مربوط، برای زن نیز می توان دو نوع مسئولیت یا مدیریت قائل شد: ۱. مدیریت عاطفی خانه؛ ۲. مدیریت اقتصادی خانه.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵.

۲. نهج الفصاحه، ص ۱۴، ج ۲۱۷۷.

۱. مدیریت عاطفی

کانون خانواده براساس موّدت و رحمت برپا شده است؛ با جاری شدن خطبۀ عقد، خداوند سرمایه‌ای از محبت و رحمت در قلب دو همسر جاری می‌کند تا توشه‌ی همدلی و همراهی‌شان باشد. پایداری این بنای مقدس و احساس رضایت همسران از زندگی، به همین محبت و رحمت بستگی دارد؛ پس زن و شوهر باید بکوشند با رعایت لطایفی که تقویت‌کننده‌ی این رابطه‌ی الهی است، سرمایه‌ی محبت و رحمت خود را از دست ندهند. در این بین، نقش و وظیفه‌ی زن بسیار مهم‌تر است؛ چنان‌که امام‌سجاد (علیه‌السلام) در بیان حقوق زن و مرد به این مطلب اشاره کرده و می‌فرمایند:

هرکدام از شما زن و مرد بر نعمت وجود دیگری خدا را سپاس گوید...؛ اگرچه حق تو بر زن سخت‌تر و رعایت محبوب و مکروه تو [اگر زیاده‌خواهی نباشد] بر او لازم‌تر است....

به‌جا آوردن حقوق شوهر، از این جهت حائز اهمیت است که هم بر روابط همسری تأثیر مثبتی می‌گذارد و هم روابط سایر افراد خانواده با هم را متعادل و استوار می‌کند. این مهم، در به‌سامان رساندن خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین جزء جامعه‌ی اسلامی، اهمیت خود را به‌روشنی نشان می‌دهد: تلاش زن در انجام وظایفش، موجب تقویت و بازدهی بهتر تولید اقتصادی (کار مرد در جامعه)، توسعه‌ی علوم (علم‌آموزی فرزندان) و تولید نیروی انسانی نیک و صالح و کارآمد (تولد و تربیت فرزندان) در جامعه‌ی اسلامی خواهد شد.

اهمیت وظایف زن در قبال شوهرش، در بیان حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چنین آمده است:

لَا تُؤْذِي الْمَرْأَةُ حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى تُؤْذِيَ حَقَّ زَوْجِهَا^۱.

زن تا وقتی که حق شوهرش را ادا نکرده باشد، حق خدای سبحان را ادا نکرده است.

فکر می کنید این حقوق مهم و جامعه ساز، چه چیزهایی است؟
 پیامبر رحمت ﷺ در ضمن حدیثی، با برشمردن صفات بدترین زنان، درواقع به قسمتی از حقوق مرد (حقوق عاطفی) اشاره کرده و فرموده اند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ نِسَائِكُمْ الذَّلِيلَةَ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةَ مَعَ بَعْلِهَا... الْحَقُودُ الَّتِي لَا تَوْعُ مِنْ فَيْحِ الْمُبْرَجَةِ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَلَا تُطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَعْلُهَا تَمَنَعَتْ مِنْهُ كَمَا تَمْنَعُ الصَّغْبَةُ عَنْ رُكُوبِهَا لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عَذْرًا وَلَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا^۱

آیا می خواهید شما را از بدترین زانتان آگاه کنم؟! بدترین زنان شما زنی است که در میان خانواده (خانواده پدری اش) فروتن و نرم است؛ ولی در برابر همسرش مقاوم و سرکش... کینه توز است. از گفتار یا رفتار زشت پروایی ندارد. در غیاب همسرش خودش را می آراید و خودنمایی و جلوه گری می کند؛ ولی در برابر همسرش خودش را می پوشاند و از شوهرش حرف شنوی نداشته و از او اطاعت نمی کند. در هنگام خلوت، شوهرش را از خودش می راند. عذرخواهی شوهرش را نمی پذیرد و خطاهایش را نمی بخشد.

دیگر حقوقی که زن باید در انجام وظایف جهادگونه اش^۲ (خوب شوهرداری کردن) به کار بندد، عبارت اند از: توجه به جایگاه مرد به عنوان مدیر زندگی، محبت و دلسوزی در برابر همسر، هماهنگی

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۵.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۹؛ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ: جهاد زنان، خوب شوهرداری کردن (احترام به شوهر و برآورده کردن نیازها و خواسته های بحق او) است.»

با شوهر در صورت نیاز به خروج از منزل، آرایش برای همسر، خشمگین نکردن شوهر و تلاش برای خشنودی وی، خوش رویی،^۱ و فابا به عهدهایی که با شوهر بسته است، پرهیز از توهین و بدزبانی و بی ادبی در برابر مرد خانه، سپاسگزاری از زحمات شوهر، شکیبایی و بردباری و وفاداری. گذشته از اینها، انجام این حقوق باید همراه لطافت ها و ظرافت ها و تدبیرهای زنانه باشد؛ به طور مثال تأثیر شگرف استقبال و بدرقه کردن زن در روحیه مرد که به افزایش محبت میان آن ها می انجامد، از مطالبی است که در بیان مبارک معصومان (علیهم السلام) به آن اشاره شده است: مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد:

من همسری دارم که وقتی به منزل برمی گردم، به پیشوازم می آید و هنگامی که از منزل بیرون می روم، بدرقه ام می کند؛ هرگاه مرا اندوهگین می بیند، می پرسد: «چه چیز تو را اندوهگین کرده است؛ اگر نگرانی تو به خاطر درآمد [و روزی کم] است که [آن به عهده تو نیست و] دیگری [یعنی خداوند] آن را به عهده گرفته است [و نگرانی تو بیجاست]؛ ولی اگر اندوهناکی تو راجع به امور آخرتی [و ترس از حساب و کتاب آخرت] است؛ پس خداوند بر اندوهت بیفزاید [که شایسته است انسان نگران فردایش باشد]».^۲

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَهَذِهِ مِنْ عَمَالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ.^۳

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۳: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «إِنَّ الْمَرْأَةَ... لَا يَجِلُّ لَهَا أَنْ تَنْظُرَ إِلَى وَجْهِهِ نَظْرَةً مُغَضِبَةً...؛ برای زن روا نیست که با خشم به شوهرش بنگرد.»

۲. «وَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّيْنِي وَإِذَا خَرَجْتُ شَبَعْتَنِي وَإِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ مَا يَهْمُكَ إِنْ كُنْتُ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفُلُ لَكَ بِهِ عَيْتُكَ وَإِنْ كُنْتُ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَرَأَيْتَ أَنَّ اللَّهَ هَمًّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَ هَذِهِ مِنْ عَمَالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ.»

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۹.

خداوند کارگزارانی دارد و این زن [به خاطر این اوصاف زیبایش]، یکی از کارگزاران خداست و خداوند نیمی از پاداش شهید را به او می‌دهد.

خانه‌داری

از اموری که گهگاه شنیده می‌شود خانم‌ها از انجام آن شانه خالی می‌کنند و انجامش را شاید با منت می‌پذیرند، امر مبارک خانه‌داری است. در این زمینه، بد نیست به دو نکته اشاره کنیم: اول، پاداش خانه‌داری و دوم اینکه خانه‌داری برای زن چه جایگاهی دارد؟

اگر اجر خانه‌داری، تنها بشارتی باشد که حضرت رسول ﷺ داده‌اند، می‌ارزد که زن تمام هم و غم خود را برای آن بگذارد؛ چرا که امام صادق (علیه السلام) از قول رسول خدا ﷺ می‌فرمایند:

أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ^۱.

هر زنی که در خانه شوهر، با هدف بهتر شدن فضای خانه، وسایل خانه را جابه‌جا کند؛ خدای عز و جل به او نگاه لطف و رحمت می‌کند و هر که خدا [با نگاه لطف و مهربانی] به او بنگرد؛ عذابش نمی‌کند.

تلاش دائم برای بهبود فضای منزل، کمک به همسر است برای حرکت در مسیر رشد و تعالی علمی و معنوی و اخلاقی خود و افراد خانواده‌اش.

اداره خانه و انجام کارهای خانه‌داری، با توجه به ارزش‌ها و پاداش‌هایی که خدا برای آن در نظر گرفته است، ما را متوجه این مطلب می‌کند که اگرچه هیچ‌کس نمی‌تواند زن را به انجام کارهای خانه مجبور کند؛^۲ اما بعید به نظر می‌رسد که بدون انجام امور خانه، بتواند سایر وظایف خود را درست انجام دهد؛ زیرا در حقیقت خانه‌داری مقدمه‌ای است برای خوب شوهرداری کردن.

۱. أَلَامَالِي (أَلَامَالِي لِلصَّدُوقِ)، ص ۴۱۱.

۲. رساله عملیه مراجع، احکام عقد دائم: «مرد حق ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند.»

۲. مدیریت اقتصادی

شاید بهتر باشد از مدیریت اقتصادی زن در خانواده، با عنوان همراهی اقتصادی نام ببریم. صرفه جویی، هزینه نکردن برای امور بی اهمیت و غیرضروری، همدلی و تبعیت از مدیریت مالی مرد، همراه کردن فرزندان با مدیریت مالی پدر، تأمین بعضی نیازها با خلاقیت ها و هنرهای زنانه و پرهیز از مُدگرایی و چشم و هم چشمی^۱، همه از مصادیق این کمک کردن است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرموده اند:

خَيْرُ نِسَائِكُمُ الطَّيِّبَةُ الطَّيِّبَةُ الَّتِي إِذَا أَنْفَقَتْ أَنْفَقَتْ بِمَعْرُوفٍ وَإِذَا أَمْسَكَتْ أَمْسَكَتْ بِمَعْرُوفٍ فَلَيْسَ عَلَيْكَ عَمَلٌ مِنْ عَمَالِ اللَّهِ وَ عَامِلُ اللَّهِ لَا يَخِيبُ وَلَا يَنْدَمُ.^۲

بهترین زنان شما زنی است که خوش بو باشد، سفره آرا و آشپز خوبی باشد، بجا خرج کند (بر مبنای نیاز و متناسب با درآمد، خرید کرده و به اندازه، مصرف کند) و بجا از خرج کردن خودداری ورزد (از مدگرایی، چشم و هم چشمی و اسراف و تجمل گرایی پرهیز کند). چنین زنی کارگزاری از کارگزاران خداست و کارگزار خدا در زندگی شکست نمی خورد [و از رحمت خدا ناامید] و از کارش پشیمان نمی شود. امید است خداوند ما را به وظایفمان آگاه و در مسیر عمل به دانسته هایمان، پیوسته در تلاش بدارد؛ انشاء الله.

۱. الکافی، ج ۸، ص ۲۴۴: امام صادق علیه السلام به حرمان بن اعین فرمودند: «يَا حُرْمَانُ انْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ ذُو نَكَتٍ فِي الْمَقْدَرَةِ...؛ ای حرمان! زندگی خودت را با کسانی مقایسه کن که نسبت به تو، سطح قدرت (درآمد) پایین تری دارند؛ نه با کسانی که درآمدشان بیشتر است؛ زیرا این نگاه و مقایسه، تو را در برابر میزان درآمدی که [براساس شغل و کارت] برای تو مقدر شده است، قانع تر کرده و برای زیادی نعمت از طرف پروردگار متعال شایسته تر می کند.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۵.



گل‌های خانه

فرزندان در خانواده

آن لحظه فراموش نشدنی را به خاطر سپرده‌ای؛ زمانی که قدم نورسیده‌اش به زندگی ات مهمان شد، امید به جانت ریشه دواند؛ ولی ناگاه دلواپسی، پابره‌نه به حیاط دلت دوید؛ یک دلواپسی سنگین و شیرین! سنگین، چرا که حکایت از وظیفه‌توست در کسوت پدر و مادری و شیرین، چون تو را بزرگ می‌کند و مگر نه این است که بزرگی آدمی به قدر تقدس امیدها و نگرانی‌های اوست! از این‌ها شیرین‌تر، این است که این مهمان، تو را در نزد خداوند عزیز کرده است؛ آن قدر که خوشنودی خود را به خوشنودی تو گره زده و خدمت به تو را بعد از پرستش خویش قرار داده است!

دلواپسی‌ات را نگه دار تا تو را به پیمودن راهی، نزدیک به بهشت و فرسنگ‌ها دور از دوزخ، وادارد.

امام رضا (علیه السلام) از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند:

رَحِمَ اللَّهُ وَالِدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ^۱

خداوند رحمت کند پدری را که در نیکی کردن، به فرزندش کمک کند.

نهایت آرزوی انسان مسلمان در داشتن خانواده نیک، به ویژه فرزند صالح، در این دعای قرآنی تجلی پیدا می کند:

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾^۲

پروردگارا، همسران و فرزندان ما را مایه روشنی چشمانمان و ما را پیشوایی برای پرهیزکاران قرار ده.

اهمیت این موضوع تا آنجاست که تمایل به فرزندآوری حُسن شمرده شده و امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

مِنْ بَرَكَةِ الْمَرْأَةِ خَفَّةُ مَثْوَيْهَا وَ تَيْسِيرُ وَلَادَتِهَا وَ مِنْ شُؤْمِهَا شِدَّةُ مَثْوَيْهَا وَ تَعْسِيرُ وَلَادَتِهَا^۳.

از ویژگی های زن مبارک و خجسته این است که کم خرج باشد و برای فرزندآوری آسان بگیرد و از ویژگی های زن ناخجسته این است که پُرخرج باشد و برای فرزندآوری سخت گیری کند.

چگونه می توان به این آرزوی بلند دست یافت و زمینه اجابت این دعا را در فرزندان فراهم آورد؟
براساس آنچه در بیان نورانی ائمه هدی (علیهم السلام) به چشم می آید، پرورش فرزند شایسته بر سه رکن اساسی استوار است: ۱. خانواده شایسته؛ ۲. رعایت حقوق کودک؛ ۳. وظیفه شناسی کودک.
پایه و اساس داشتن گل های بهشتی، به تزکیه نفس والدین در سال ها قبل از ازدواج برمی گردد

۱. الکافی، ج ۱۱، ص ۴۵۰؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۸۶، به نقل از امام صادق (علیه السلام).

۲. فرقان، ۷۴.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۶۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۷.

که این مهم با انتخاب همسری شایسته کامل‌تر می‌شود. در کلام معصومان (علیهم‌السلام) نیز به نکاتی در این زمینه اشاره شده است؛ ازجمله: نقش وراثت در خوشبختی فرزند، تأثیر تغذیه پدر و مادر بر سلامت و سعادت فرزند، نقش و چگونگی انعقاد نطفه و تأثیرگذاری آن در آینده فرزند.

توجه به نکات ریزی که از بدو تولد کودک آغاز می‌شود، نشان‌دهنده نگاه عمیق دین به این فرآیند است. برای بالیدن یک نهال بهشتی، مراقبت همه‌جانبه نیازاست؛ اما این نکته هم درخور توجه است که در کنار تمام توصیه‌های تربیتی، زمانه‌ای که فراراست فرزند در آن زندگی کند را هم باید شناخت و آموزش‌های لازم را به او داد. در این زمینه، **امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند:**

لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ.^۱

آداب و رسوم خودتان را بر فرزندان‌تان تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

مثلاً در زمانه ماکه عصر تکنولوژی است، آموزش و آموختن روش استفاده صحیح از فن‌آوری‌ها؛ به‌ویژه در حوزه رسانه‌های دیداری و شنیداری، از الزامات تربیت فرزند است.

با تولد کودک، حقوق و آداب و وظایفی آغاز می‌شود: غسل ولادت، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد، برداشتن کام نوزاد با تربت امام حسین (علیه‌السلام)،^۲ انتخاب نام نیکو؛^۳ تراشیدن سر،^۴ عقیقه‌کردن، توجه به حقوق کودک حتی در زمان

۱. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۶۷.

۲. الوافی، ج ۱۴، ص ۱۵۲۸، ح ۱۴۶۱۳: امام صادق (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «حَبِّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِبُرْیَةِ الْحُسَيْنِ (علیه‌السلام) فَإِنَّهَا أَمَانٌ؛ کام فرزندان‌تان را با تربت امام حسین (علیه‌السلام) بردارید؛ چراکه مایه ایمنی است.»

۳. الکافی، ج ۶، ص ۱۸: امام کاظم (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «أَوَّلُ مَا يَبْزُرُ الرَّجُلَ وَلَدُهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنِ فَلْيُحْسِنْ أَحَدَكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ؛ نخستین نیکی انسان به فرزندش این است که نام نیک بر او نهد؛ پس هرکدام از شما باید برای فرزندش نام نیک بگذارد.»

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۹: امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ به علت تراشیدن سر نوزاد فرمودند: «تَطْهِیرُهُ مِنْ شَعْرِ الرَّجَمِ؛ برای پاک‌کردن او از موی روئیده در رجم مادر است.»

شیرخوارگی^۱ (دو سال تمام، تغذیه از شیر مادر و بیان نکات ریز شیردهی) و

حقوق تربیتی فرزندان

همپا با رشد کودک، حقوق تربیتی او نیز رنگ جدی تری به خود می گیرد. تعلیم و تعلّم، یکی از حقوق مهم کودک است؛ چنان که امیر سخن، امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَيِّنَ اسْمَهُ وَيُحَيِّنَ أَدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ.^۲

حق فرزند بر پدر، آن است که برای او نام نیکو انتخاب کند، خوب تربیتش کند و به او قرآن بیاموزد.

نیز همین بزرگوار (علیه السلام) فرموده اند:

مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ.^۳

فرزندانتان را به آموختن دانش امر کنید!

در بیانی دیگر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَالسِّبَاخَةَ وَالرِّمَایَةَ وَأَنْ [لَا] يَرْزُقَهُ إِلَّا طَيِّبًا وَأَنْ يُزَوِّجَهُ إِذَا بَلَغَ.^۴

حق فرزند بر پدر آن است که خواندن و نوشتن، شناکردن و تیراندازی را به او یاد دهد و جز غذای خوب (حلال) به او نخوراند و همین که بالغ شد، به او همسر دهد.

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۰. امام علی (علیه السلام) فرموده اند: «مَا مِنْ لَبَنٍ يُرَضَّغُ بِهِ الصَّبِيُّ أَغْظَمَ بَرَكَهَ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنٍ أُمِّيهِ، هِيَ شِیرَةُ كَوْدِك بَا أَنْ تُغْذِیْهِ شُود، بَابَرَكْت تَرَا ز شِیر مَادَرَش نِیَسْت.»

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۷۲۴ و ۷۲۶.

۳. کنز العمال، ج ۵۹۵، ص ۴.

۴. نهج الفصاحه، ص ۴۴۷.

این تربیت، از خردسالی و با آشنایی فرزند با اصول دین و اظهار یگانگی خداوند^۱ آغاز می‌شود. پُر واضح است که این آشنایی، با محبت پیامبر ﷺ و اهل بیتش علیهم‌السلام آمیخته است که مقام نبوت و امامت دارند؛ چنانچه پیامبر خوبی‌ها علیهم‌السلام می‌فرمایند:

أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَعَلَى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ.^۲
فرزندانتان را با سه ویژگی تربیت کنید: دوستی پیامبرتان و دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن.

پس از این مرحله، تربیت، با آشنایی کودک با فروع دین و شعائر دین پیگیری می‌شود؛ از جمله: آموزش نماز، گرفتن روزه دست‌کم در قسمتی از روز و آموزش قرآن. این آموزش‌ها تا آخر هفت سال دوم زندگی کودک ادامه دارد.^۳

حقوق اخلاقی و عاطفی فرزندان

از ملزومات آموزش، پرهیز از خشونت^۴ و همراهی آن با محبت و مهربانی است.^۵ باید توجه داشت که فرزندان در هر مرحله از زندگی، نیازمند محبت پدر و مادرند؛ فقط شکل این محبت باید متناسب با سن فرزند تغییر کند؛ نه اینکه با بزرگ شدنشان از توجه والدین محروم شوند؛ اما

۱. کنز العمال، ج ۱۶، ح ۴۵۳۲۸: پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «إِذَا أَفْضَحَ أَوْلَادَكُمْ فَعَلَيْكُمْ لَهُمَ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ... وَإِذَا انْتَفَزُوا فَمَرْوَهُم بِالصَّلَاةِ؛ هرگاه کودکان زبان گشودند، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را به آنان بیاموزید... هرگاه دندان شیری آن‌ها افتاد؛ به نماز امرشان کنید.»

۲. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۱۷، ح ۴۵۱۹۱ و ص ۴۵۶، ح ۴۵۴۰۹.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹۲: امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالرِّمَّةُ تَفْسَكُ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَإِلَّا فَإِنَّهُ مَمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ؛ به فرزندت تا هفت سالگی اجازه بازی بده و در هفت سال دوم، او را تربیت کن و هفت سال [سوم]، او را همراه و مشاور خود قرار ده؛ اگر رستگار شد، چه خوب؛ در غیر این صورت، امید خیری در او نخواهد بود.»

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۳، ح ۶۹۱۲: امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «لَا أَدَّبُ مَعَ غَضَبٍ؛ تربیت، با خشم [ممکن] نیست.»

۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۵: امام سجاد علیه‌السلام فرموده‌اند: «حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسَّخَرُ عَلَيْهِ وَالرِّفْقُ بِهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ؛ حق کودک آن است که در آموزش دادن به او مهربانی کنی، از لغزش‌هایش چشم‌پوشی و اشتباهاتش را پنهان کنی، با او نرمش داشته باشی و [به هنگام ناتوانی‌های کودکانه] یاری‌اش رسانی.»

در محبت نیز نباید زیاده روی شود. امام باقر علیه السلام فرموده اند:

شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبُرَّ إِلَى الْإِفْرَاطِ وَ شَرُّ الْأَنْبَاءِ مَنْ دَعَا التَّقْصِيرَ إِلَى الْعُقُوقِ.^۶

بدترین پدران، کسی است که در نیکی و خوبی کردن زیاده روی کند و بدترین فرزندان، کسی است که در اثر کوتاهی، عاق و والدین شود.

دیگر حقوق عاطفی و اخلاقی فرزند که در روایات ما به آن‌ها اشاره شده است، چنین‌اند: مهربانی، احترام، رعایت عدالت رفتاری میان فرزندان، وفا به وعده‌های داده شده به آن‌ها،^۷ شادکردن، بوسیدن، توجه به آراستگی و حس زیبایی طلبی آن‌ها، توجه به نقش بازی در رشد آن‌ها، دعا برای فرزندان، پرهیز از نفرین کردن آن‌ها و

در نهایت از این مهم نباید غافل شد که فرزندان آن‌گونه تربیت می‌شوند که ما هستیم؛ نه آن‌گونه که ما می‌خواهیم. گفتنی است در حقوق فرزندان نیز خط قرمزهایی وجود دارد که در صورت رعایت نکردن پدر و مادر، موجب عاق آن‌ها از سوی فرزندان می‌شود. امام صادق علیه السلام از قول پدران خود علیهم السلام و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرموده‌اند:

يَلْزِمُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَدِهِمَا إِذَا كَانَ الْوَلَدُ صَالِحًا مَا يَلْزِمُ الْوَلَدَ لَهُمَا.^۸

همان‌طور که فرزند، در صورتی که حقوق پدر و مادر را ادا نکند، عاق والدین می‌شود؛ پدر و مادر هم در صورتی که فرزندشان صالح باشد و حقش را ادا نکنند، عاق فرزند می‌شوند.

۶. تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۵۳.

۷. الکافی، ج ۶، ص ۵۰: کلب صیدای از امام کاظم علیه السلام حدیث می‌کند که فرمودند: «إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَّانَ فَقُولَا لَهُمَا فَإِنَّهُمَا يَزُونَنَّ أَتَكُمُ الَّذِينَ تَرْزُقُونَهُمَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْسَ يَغْضَبُ لَيْشٍ وَ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ؛ چون به اطفال وعده‌ای دادید، وفا کرده و تخلف نکنید؛ زیرا کودکان گمان می‌کنند که شما روزی دهنده آن‌ها هستید. خداوند عز و جل، برای هیچ چیز، به قدر تجاوز به حقوق زنان و کودکان غضب نمی‌کند.»

۸. الخصال، ج ۱، ص ۵۵.



بزرگ‌ترین درآمد حلال و حرام

عرضه جهادی برپاست؛ در راه کسب روزی‌هایی که خداوند برایت در نظر گرفته، هجوم سپاهیان شیطانی کار را سخت کرده است: مال دروغ، مال تهمت، مال دغل، مال بی‌انصافی، مال کم‌فروشی و کم‌کاری و مال اسراف و تجمل و تکلف و... همه و همه با شمشیرهای برکشیده، شتابان به سوی تو حرکت‌اند و تو تمام تلاشت را به کار می‌بندی تا از میان چکاچاک این شمشیرها، روزی حلال اهلت را طیب و طاهر، به سلامت، به خانه برسانی! ای همیشه‌رزمنده خداوند، پیوسته جهادت نیکو باشد و اهلت با قناعت و مدارا و ساده‌زیستی، پشتیبان تو در پشت جبهه این جهاد مقدس.

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

لَا تَسْتَقِلُّوا قَلِيلَ الرِّزْقِ فَتَحْرُمُوا كَثِيرَهُ^۱.

روزی کم را اندک نشمارید که از روزی فراوان محروم می‌شوید.

براساس تعالیم دین، رزق و روزی، هم در نمونه‌های مادی و هم در مسائل معنوی، مانند علم مصداق پیدا می‌کند. در یک خانواده دینی که روابط و قوانین‌اش را کتاب و سنت تعیین می‌کند، مسلمان باید تنظیم امور زندگی‌اش را در همه ابعاد، براساس اوامر و نواهی خدای حکیم قرار دهد و از حلال‌ها استفاده کند و از حرام‌ها بپرهیزد.

درباره راه‌های ورود و خروج (دخل و خرج) روزی، این حلال و حرام‌ها چگونه است؟ در زمینه نعمت‌های خوردنی و نوشیدنی و... چه باید و نبایدهایی مطرح است؟ برای پاسخ، به دو موضوع می‌پردازیم:

۱. ورود رزق و روزی: الف. کسب حلال؛ ب. راه‌های افزایش روزی (برکت).

۲. مصرف رزق و روزی: الف. ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف؛ ب. پرداخت هزینه‌های واجب (خمس و زکات و...).

کسب حلال

نماینده کسب روزی در خانواده، مرد است؛ اوست که هر روز به میدان کسب روزی و جهاد خدایی‌اش پا می‌گذارد.^۲ اگر به مال و ثروت به‌عنوان امانتی الهی و وسیله‌ای برای رسیدن به کمال انسانی نگاه شود، می‌توان با آن به‌سوی خدا رفت و محبوب حقیقی خود را یافت؛ چنان‌که خداوند، خود در حدیثی قدسی می‌فرماید:

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۹۳؛ امام کاظم علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ جِلَّةٍ لِيَعُوذَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ غَزَوْ جَلٍّ؛ کسی که در پی روزی حلالی باشد که آن را برای خود و خانواده‌اش مصرف کند، همانند کسی است که در راه خدا جهاد کند.»

يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ فَإِذَا طَيِّبْتَ مَطْعَمَكَ وَ
مَشْرَبَكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَكُنْفِي.^۱

ای احمد، همانا عبادت ده جزء است که نه جزء آن، طلب روزی حلال است؛ پس چون خوراکی و نوشیدنی خود را پاک کردی، در پناه و حمایت من هستی. خداوند برای کسب درآمدهای حلال و تأمین رزق و روزی، راه‌های خوب و شرافتمندانه‌ای قرار داده است و کسی که با وجود این راه‌ها دنبال حرام می‌رود، اوج ناسپاسی و قدرشناسی را در برابر خالق به جا می‌آورد.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

مَنْ لَمْ يُمَالِ مِنْ أَيِّ بَابٍ اكْتَسَبَ الدِّينَارَ وَالْدِّرْهَمَ لَمْ أَبَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ النَّارِ
أَدْخَلْتُهُ.^۲

آن‌که برایش مهم نباشد که دینار و درهم را از چه راهی به دست می‌آورد، برای من هم مهم نخواهد بود که او را از کدام در جهنم وارد آتش دوزخ کنم. برای کسب درآمد حلال، دو مسئله اهمیت دارد: انتخاب کار و روش انجام آن.

انتخاب کار: می‌دانیم که به دست آوردن ثروت و مال از راه بعضی شغل‌ها حرام است؛ مثل: دزدی، خرید و فروش مال دزدی، معاملات دروغ و سواری، رباخواری، دادن و گرفتن رشوه، غصب و تصرف در اموال یتیمان. مهم‌تر اینکه، حتی در انتخاب شغل و شیوه انجام آن هم باید مسیری درست را پیمود؛ پرهیز از دغل و دروغ، استفاده از نفوذ پارتی و... در امر استخدام و... همه و همه، اموری است که از هر مسلمان انتظار می‌رود، در رعایت آن‌ها اهتمام ورزد.

نحوه و روش انجام کار: از آموزه‌های دینی چنین برمی‌آید که کسب حلال، به خوبی‌های

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱.

همیشگی نیاز دارد؛ مانند: راست‌گویی، حق‌پذیری، رعایت انصاف، تلاش، توکل، اخلاص و... باید دقت کنیم که حتی لحظه‌ای غفلت نیز مال را آلوده می‌کند؛ مراعات نکردن قوانین کاری، استفاده شخصی از بیت‌المال و امکانات محل کار، کم‌فروشی، گران‌فروشی، غش در معامله، قسم‌خوردن در معامله، امروز و فردا کردن در تحویل کار بدون دلیل منطقی،^۱ برخی از این امورند.

در زمینه مصداق این غفلت‌ها به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم: کسی که به اندازه دستمزدش، کار نمی‌کند؛ کارمندی که از کار می‌دزد؛ فروشنده‌ای که مشتری را فریب می‌دهد؛ پیمانکاری که تخلف و سوء استفاده می‌کند؛ بدهکاری که مال مردم را نمی‌دهد و کشاورز یا کاسب و کارمندی که زکات و خمس نمی‌دهد.

پُر واضح است که درآمدهای همه این افراد اشکال شرعی دارد و بهره‌ای که از ثروتشان می‌برند، آمیخته با حرام است.

توجه به کلام معصومان (علیهم‌السلام) که خود مبدأ همه برکات الهی^۲ هستند، سنگینی وظیفه کسب درآمد حلال را نشان می‌دهد. تأثیر وضعی لقمه حلال بر روح و روان انسان، چنان است که حتی سرنوشت جنین در رحم، با لقمه حلالی رقم می‌خورد که مادر به دهان می‌گذارد!

پیامبر مهربان ما (ص) فرموده‌اند:

أَدْبُوا أَوْلَادَكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِهِمْ.

فرزندانتان را در رحم مادرانشان تربیت کنید.

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۰؛ پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «وَيَلَّ لِلتَّجَارِ أَمْتِي مِنْ لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ وَوَيْلٌ لِبُطْنِ أَمْتِي مِنَ الْيَوْمِ وَغَدٍ؛ وای بر تاجران امت من از گفتمن لا و الله و بلی و الله (قسم خوردن در دادوستد) و وای بر صنعتگران امت من از امروز و فردا کردن!»
۲. فرازی از زیارت شریف جامعه کبیره: «وَمَسَاكِنَ بَرَكَةِ اللَّهِ».

سؤال شد: «این چطور ممکن است، ای رسول خدا؟» رسول اکرم ﷺ فرمودند:

يُظَاعِمُهُمُ الْحَلَالُ^۱.

با خوراندن غذای حلال [به مادرانشان].

کم شدن نفوذ شیطان، استجابت دعا،^۲ بخشش خطا، طلب آمرزش توسط فرشتگان و نورانیت قلب، از دیگر آثار کسب لقمه حلال است.

برکت

برکت یعنی سود پایدار؛ دعا برای برکت نیز به معنای درخواست نعمت پایدار است. با توجه به مضامین روایات و آنچه سبب افزایش روزی دانسته شده است، برکت فقط به معنای زیاد شدن مقدار مال نیست؛ بلکه موجب کم شدن هزینه ها و در نتیجه، احساس رضایت از زندگی، به دور از صرف هزینه اضافه است. برای همین گاهی در مقایسه دو زندگی با درآمد یکسان، ثروت یکی، بابرکت تر از دیگری به نظر می رسد.

به طور کلی، یکی از عوامل مهمی که انسان را به سعادت می رساند، اطاعت بی چون و چرا از دستورات الهی بوده که رضایت الهی و برکت در تمام شئون زندگی، از آثار آن است. در حدیثی از امام رضا (علیه السلام)، خداوند خطاب به یکی از پیامبران الهی فرموده است:

إِذَا أُطِغْتُ رَضِيْتُ وَ إِذَا رَضِيتُ بَارَكْتُ وَ لَيْسَ لِرِكَتِي نَهَائَةٌ وَ إِذَا عَصِيتُ غَضِبْتُ وَ إِذَا غَضِبْتُ لَعَنْتُ وَ لَعْنَتِي تَبْلُغُ السَّابِعَ مِنَ الْوَرَاءِ [الْوَرَى]^۳.

۱. جنگ مهدوی، ص ۱۳۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۲۱: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فَلْيَطْلُبْ كَسْبَهُ وَ لِيُخْرِجْ مِنْ مَطَالِمِ النَّاسِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُرْفَعُ إِلَيْهِ دُعَاءُ عَبْدٍ وَ فِي بَطْنِهِ خَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ؛ هر که بخواهد دعایش مستجاب شود، باید کسب خود را حلال کند و حق مردم را بپردازد. دعای هیچ بنده ای، درحالی که مال حرام در شکمش باشد یا حق کسی برگردنش باشد، به درگاه خدا بالا نمی رود.»

۳. الکافی، ج ۳، ص ۶۸۱.

هرگاه اطاعت شوم، راضی می شوم و وقتی راضی شوم، برکت می دهم و برکت من بی پایان است. هرگاه نافرمانی شوم، خشم می گیرم و چون خشم گیرم، لعنت می کنم و لعنت من تا هفت پشت برسد.

در زمینه افزایش روزی، عواملی وجود دارد که غیر از برکت مال در خانواده، برای ایجاد برکت در عمر و جوانی و نشاط هم لازم است. به این نکته ها در روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) اشاره شده است؛ از جمله:

توصیه های اخلاقی برای همه افراد خانواده: راست گویی، خوش اخلاقی، آسان گیری، کم کردن دل خوری و بی قراری ها، نیت خوب، امانت داری، صلۀ رحم، شکرگزاری و

توصیه های عملی برای همه افراد خانواده: رعایت بهداشت فردی (ناخن گرفتن، شانه زدن، تمیز کردن دندان ها، شستن دست ها قبل و بعد از غذا، مدارا با همسایه ها، با وضو بودن دائم، اهتمام به نماز اول وقت، دعا برای برادران دینی، زیارت اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه زیارت امام حسین (علیه السلام)، صلۀ ارحام و

توصیه به مرد خانه: توکل، بخشنده گی، نیکی به خانواده، پرداخت خمس و زکات و

توصیه به زن خانه: شستن ظروف، اسراف نکردن در دورریز سفره، جارو زدن خانه و

توصیه به فرزندان: نیکی و احترام به والدین در تمام جنبه ها.

از همه این ها مهم تر، شکر قلبی (رضایت) و زبانی و عملی است. خداوند عزّ و جل می فرماید:

الْشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النَّعَمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ^۱

شکر، باعث زیاد شدن نعمت ها و بی نیازی از دیگران است.

در بیان امام صادق (علیه السلام) مصادیق شکر عملی چنین جلوه می‌کند:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَيَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا.

خداوند، زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و از فقر و تظاهر به فقر بیزار است. هرگاه خداوند به بنده‌ای نعمتی بدهد، دوست دارد اثر آن را در او ببیند.

عرض شد: «چگونه؟» فرمودند:

يُنَظَّفُ ثَوْبُهُ وَيَطْلَبُ رِيحَهُ وَيُحْصِصُ دَارَهُ وَيَكْنُسُ أَفْنِيَّتَهُ حَتَّى إِنَّ السَّرَاجَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.^۱

لباس تمیز بپوشد، خود را خوش بو کند، خانه‌اش را گچ‌کاری و جلوی در حیاط خود را جارو کند؛ حتی روشن کردن چراغ، قبل از غروب خورشید، فقر را برده و روزی را زیاد می‌کند.

پرداخت واجبات مالی

امام صادق (علیه السلام) چنین فرموده‌اند:

يَقُولُ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ مَا أَعْيَانِي فِي ابْنِ آدَمَ فَلَنْ يُعِينَنِي مِنْهُ وَاحِدَةٌ مِنْ ثَلَاثٍ أَخَذْتُ مَالٍ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ أَوْ مِنْهُ مِنْ حَقِّهِ أَوْ وَضَعُهُ فِي غَيْرِ وَجْهِهِ.^۲

ابلیس ملعون می‌گوید: «در باره بنی آدم، هرچه مرا خسته و ناتوان کند، یکی از این سه چیز ناتوان نمی‌کند (با یکی از این سه چیز، در فریب آنان موفق می‌شوم): به دست آوردن مال از راه غیر حلال یا مانع او شدن در پرداخت واجب مالی (خمس،

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۷.

۲. الخصال، ج ۱، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

زکات، نفقه و...) یا مصرف کردن مال در راه ناروا و حرام.

در این مسیر، اولین قدم ابلیس این است که پرداخت خمس و زکات را دشوار نشان داده و آن را موجب نقص در مال جلوه دهد. در احادیث شریف معصومان علیهم السلام، پرداخت واجبات مالی از جلوه‌های سخاوت و جوانمردی است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

لَيْسَ السَّخِيُّ الْمُبْدِرَ الَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَلَكِنَّهُ الَّذِي يُؤْذِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ مِنَ الزَّكَاةِ وَغَيْرِهَا وَالبَخِيلُ الَّذِي لَا يُؤْذِي حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ.^۱

انسان بخشنده، آن و لخرجی نیست که اموال خود را نابجا حیف و میل کند؛ بلکه بخشنده، کسی است که زکات و حقوق مالی دیگر را که خداوند عز و جل بر او واجب کرده است، بپردازد و بخیل کسی است که حق الهی را که در مالش هست، نپردازد.

مال اگر از راه صحیح و مشروع و حلال به دست آید و در راه خیر و خداپسند و حلال صرف شود، مطلوب و از سوی دین خدا پذیرفته است؛ پس چه نعمتی بهتر از اینکه انسان، با ثروت حلال و درآمدهای پاک، موفق به انجام کارهای نیک و خدمت به مردم شود و از لذت‌های حلال و سفرهای مناسب و تفریحات سالم، بهره‌مند شده و به خانواده خدمت کند!^۲

از خداوند مَنان برای سفره‌های زندگی‌مان، رزق حلال و پاک و گسترده طلب می‌کنیم؛ رزقی که پیوسته به آن راضی و شکرگزار باشیم و از برکتش، به سفره دیگران نیز رنگ‌ورویی دیگر بخشیم.

۱. الأُمَالِي (الأُمَالِي لِلشَّيْخ الطُّوسِي)، ص ۴۷۵.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۷۸؛ در حدیثی از امام باقر علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْخَلَالِ؛ عِبَادَت، هفتاد بخش بوده و بهترین بخش آن، طلب حلال است.»



حرمی خانه

حیا و حجاب

آنگاه که عرش الهی، حرم خانه را با امر مقدس ازدواج به حضور پذیرفت، فضای خانه مَلک منظر شد و بهشت ساکنان خویش؛
پس حرم مقدسش را دیده بانی باید، چون پدر و پاسبانانی، چون اهل خانه.
اینک شما ای اهل خانواده، مرزداران این مُلک خدایی از گزند شیاطین جن و انس هستید تادر امر بندگی، بهترین ها باشید.

امام رضا علیه السلام از قول پدران بزرگوارشان نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

لَمْ يَبْقَ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام إِلَّا قَوْلُ النَّاسِ إِذَا لَمْ تَسْتَخِيْ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ.^۱

از مثل های پیامبران علیهم السلام نمانده است؛ جز همین که مردم می گویند: «در صورتی که شرم نداری، هر چه خواهی بکن.»

حیا، حریم، حرمت؛ اینها واژگانی هستند که از شنیدن هریک، احساس امنیت می کنیم. هر حریمی، حرمت داشته و امنیت می آورد و کانون خانواده که با بنای مقدس ازدواج شکل می گیرد، یکی از همین حریم های امنیت آفرین است. خانواده، اولین و کوچک ترین نهاد اجتماعی است که اگر درست تشکیل شده و شایسته اداره شود، در آن، احساس امنیت و آرامش می کنیم؛ اما هیچ حریمی شکل نمی گیرد؛ مگر با حیا.

درواقع، پایه و اساس هر حریمی، حیاست. خانواده سالم، برای سلامت نفس اعضای خود و جلوگیری از آسیب آن ها در روابط فردی و اجتماعی، بینشی نیاز دارد که به رفتار و تصمیم گیری های افراد خانه، نظم و جهت بخشد. در علم دین، از این بینش که افراد را مقید و استوار می کند، به حیا تعبیر می شود. در معرفی حیا امام صادق علیه السلام می فرمایند:

الْحَيَاءُ نُورٌ جَوْهَرُهُ صَدْرُ الْإِيمَانِ وَ تَفْسِيرُهُ التَّجَبُّتُ [التدویب] عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ يُنَكِّرُهُ التَّوْحِيدُ وَالْمَعْرِفَةُ.^۲

حیا، نوری است در باطن انسان که خلاصه آن سینه و مرکز ایمان است و توضیح حیا آن است که آدمی در مقابل هر چیزی که برخلاف توحید و معرفت (شناخت) خداست، پابرجا و محکم باشد.

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۶.

۲. مصباح الشریعه، ترجمه حسن مصطفوی، ص ۴۲۵.

معمولاً ما مصداق حیا را محدود در رفتارهایی مثل پوشش و حجاب ظاهری می‌دانیم؛ اما این تمام حقیقت نیست. در این زمینه رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند:

الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ.^١

حیا، جزء ایمان است [و جای ایمان در بهشت است].

همچنین روزی به اصحاب خود فرمودند:

إِسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ.

از خدای خود حیا داشته باشید و حقّ آن را ادا کنید.

پرسیدند: «ای پیامبر خدا چه کنیم؟» حضرت ﷺ فرمودند:

إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ فَلْيَحْفَظْ أَحَدُكُمْ الرُّأْسَ وَمَا وَعَى وَالبُظْنَ وَمَا حَوَى وَلْيَذْكُرِ الْمَوْتَ وَ طُولَ الْبَلَاءِ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ تَرَكَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ اسْتَحَى مِنْ اللَّهِ

حَقُّ الْحَيَاءِ.^٢

اگر می‌خواهید چنان باشید، سر خود و اعضای آن را از ارتکاب به گناه ننگه دارید و شکم را از حرام حفظ کنید و مرگ و طول بلای آخرت را به یاد آورید. هرکه نجات آخرت را بخواهد، باید زینت دنیا را کنار بگذارد؛ پس آن‌که این‌گونه عمل کرد، حقیقت و حقّ حیا را به جا آورده است.

حیا و ایمان، همسایهٔ دیوار به دیوار هم‌اند؛ دیوار مشترکی دارند که اگر فرو ریزد، هر دو آسیب می‌بینند. درک حضور همیشگی و نظارت پیوستهٔ خداوند و اینکه در برابر بزرگی و توانایی او، چقدر کم و کوچک هستیم، همان حیاست.

١. عوالي اللئالي العزيزية، ج١، ص ١٢٩؛ الكافي، ج ٢، ص ١٠٦: به نقل از امام صادق (عليه السلام) و با این اضافه: «وَالْإِيمَانُ فِي الْحَيَّةِ».

٢. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ١، ص ١١١.

انسان باحیا، این گوهر ناب را حفظ کرده و در خود پرورش می‌دهد. چنین انسانی همواره به یاد دارد که در پیشگاه الهی قرار داشته و از گستره بی‌پایان علم خداوند، هیچ راه فراری ندارد؛ او همه چیزش، خانواده و ثروت و علم و... همه و همه را در دست قدرت پروردگار می‌بیند؛ پس حیا، میوه ایمان است و به عکس، بی‌حیایی و بی‌شرمی، حاصل غفلت از یاد خدا.

باید گفت هرچند پوشش و حجاب ظاهری، یکی از جلوه‌های بارز حیاست؛ ولی حقیقت این است که حیا در تمام شئون زندگی؛ مانند گفتار و رفتار، عبادت، معاشرت و حتی نحوه تصمیم‌گیری ما به شدت تأثیرگذار است. این صفت، در نوع ایمان و دین‌داری ما تا کوچک‌ترین زوایای زندگی مان، مثلاً حیا در استراحت، نقش دارد. این چنین است که **امام صادق (علیه السلام) از قول حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) فرموده‌اند:**

هریک از شما که در منزل خویش استراحت می‌کند، پوششی را بر روی خود بیاندازد؛ چرا که خداوند تعالی مثل تقسیم روزی، حیا را هم تقسیم می‌کند.^۱

انواع حیا

امام راستی‌ها، صادق آل محمد (علیه السلام)، در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، حیا را به پنج نوع تقسیم کرده و فرموده‌اند:

الْحَيَاءُ خَمْسَةٌ أَنْوَاعُ حَيَاءُ ذَنْبٍ وَ حَيَاءُ تَقْصِيرٍ وَ حَيَاءُ كَرَامَةٍ وَ حَيَاءُ حُبٍّ وَ حَيَاءُ هَيْبَةٍ
وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْ ذَلِكَ أَهْلٌ وَ لِأَهْلِهِ مَرْتَبَةٌ عَلَى حِدَةٍ.^۲

حیا پنج نوع است: حیا از گناه، حیا از تقصیر و کوتاهی کردن [حتی به اندازه انجام مکروهات]، حیا از روی احترام، حیا از روی محبت و حیا از روی ترس (حیا در

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۵؛ قرب الإسناد، ص ۴۶؛ «إِذَا قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي مَنْزِلِهِ فَلْيُرْخِ عَلَيْهِ بَشْرَةً فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَسَمَ الْحَيَاءَ كَمَا قَسَمَ الرَّزْقَ».

۲. مصباح الشریعه، ترجمه حسن مصطفوی، ص ۴۲۵.

برابر عظمت و بزرگواری و هیبت؛ برای هریک از این انواع، افرادی هستند و هرکدامشان مقام و منزلت مشخصی دارند.

با دقت در انواع حیا درمی یابیم که این صفت، رفتاری همه جانبه و کانون هر خوبی و زیبایی است؛^۱ تا آنجا که عاقل ترین مردم را با حیاترین آن ها می دانند؛ از این رو مطلوب است کمی درباره مصادیق حیا در یک خانواده اسلامی صحبت کنیم؛ خانواده ای که افراد آن قصد دارند برای هم، بهشتی کوچک بسازند.

حیا در حریم خانه

پدر و مادر، اولین و مهم ترین الگوی فرزندان هستند. فرزندان، نخستین سال های زندگی شان را در محیط خانواده می گذرانند و ناخودآگاه و بی اختیار، اکثر مهارت های زندگی را در این محیط می آموزند.

والدین خیرخواه و دوراندیش، باتوجه به این مطلب، با تمام وجود می کوشند که فضای خانه و روابط بین آن ها (پدر و مادر) الگویی درست و کامل باشد. محیط خانه باید بهترین و امن ترین فضا برای بندگی خدا باشد؛ پس هرچیزی که این حریم الهی را به هم بزند، باید اصلاح یا حذف شود.

در تربیت و تعالی معنوی افراد خانه، پدر از این جهت که سرپرست و ناظر رفتار خانواده است، نقش مهمی دارد. وظیفه پدر مثل رسالت انبیا، بیان بایدها و نبایدهای دستورات دینی و زمینه سازی برای اجرای آن هاست.

از کلیات تربیت که بگذریم، آموزش و نظارت بر انجام ریزه کاری های تربیتی، کاری است که

۱. معانی الأخبار، ص ۴۰۹؛ پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ»؛ يَغْنِيَنَّ الْخِيَاءُ يَكْفُ ذَا الدِّينِ وَمَنْ لَا دِينَ لَهُ عَنِ الْقَبِيحِ فَهُوَ جَمَاعٌ كُلِّيْ جَمِيْلٍ؛ «تمامی حیا خیر است»؛ به این معنا که حیا، انسان دین دار و بی دین را از زشتی ها باز می دارد و کانون (فراهم آورنده) تمامی زیبایی هاست.

از هیچ کس، جز مادر بر نمی آید.

نکته اصلی در تربیت، توجه به ادب است که از صفات مؤمن شمرده شده است. ادب، نتیجه عملی حیا و به معنای شناخت حدود و رفتارهای انسانی است.
امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ وَالْأَدَبُ يَبْقَى^۱.

بهترین چیزی که پدران برای فرزندان خود به ارث می گذارند، ادب است، نه مال؛ زیرا مال از بین می رود و ادب باقی می ماند.

۱. حیا در گفتار

حفظ حرمت و شخصیت افراد خانواده در هم کلامی های روزانه، اصل مهمی است که از آن به حیا در گفتار یاد شده است. برخی از مصادیق حیا در گفتار عبارت اند از: اظهار محبت همراه با احترام در لحن کلام، نگاه دوستانه و با محبت، انتخاب کلمات مناسب در گفت و گوها، پرهیز از شوخی های نامناسب کلامی، پرحرفی نکردن و پرهیز از صحبت های بیجا و زشت و بیهوده. گاهی افراد یک خانواده آنقدر خودمانی صحبت می کنند که به خیال خودشان، حاکی از صمیمیت است؛ اما وقتی از بیرون به جمع آن ها نگاه می شود، گفتارشان تا حد زیادی به مرز بی ادبی و حرمت شکنی نزدیک است.

باید توجه کنیم که دلگیر نشدن اعضای یک خانواده یا حتی یک فامیل از همدیگر، دلیل قانع کننده ای برای آزادی بی حدود و مرز در نحوه گفتار آن ها نیست؛ چرا که رعایت حیا در گفتار، در هر درجه از صمیمیت، ضروری است و دین، حق شکستن این حدود را به هیچ کس نداده است. در نقشه دین، وقتی به روابط انسان ها نگاه می شود، باید جایگاه افراد نسبت به هم

مشخص باشد؛ به طور مثال، شاید پدر و مادری از فرزند خود ناراحت نشوند؛ ولی باز هم فرزند حق ندارد به والدین خود، حتی یک آف بگوید.

۲. حیا در رفتار

افراد جامعه اسلامی، قبل از هر چیز، در برابر حفظ بنیان خانواده مسئول اند؛ زیرا جامعه هر قدر هم که بزرگ باشد از همین خانواده های کوچک تشکیل می شود؛ پس رفتارهای خانوادگی ما، تأثیر مستقیم بر جامعه خواهد داشت. در این زمینه، زن و مرد به عنوان پایه های اصلی نهاد خانواده، دو وظیفه به عهده دارند:

۱. رعایت حیا در پوشش (حجاب)؛ ۲. رعایت حیا چشم و کنترل نگاه.

حیا در پوشش به معنای پوشاندن بدن و حیا چشم، یعنی کنترل نگاه، هم برای مردان و هم برای زنان مطرح شده است؛ به طوری که برای هر دو، حُسن و کمال محسوب می شود؛ البته در حجاب، وظیفه زن و در نگاه، وظیفه مرد سنگین تر است.

زیبایی زن، سرمایه ای است که باید بجا و درست، یعنی در حفظ بنیان خانواده و جامعه استفاده شود و زکاتش نیز، پوشش و پاک دامنی است. از طرف دیگر، وظیفه مرد در پاسداری از حریم خانه و حفظ پاکي جامعه، بیشتر معطوف به کنترل سمت و سوی نگاه است.

دیدن ناخواسته و ناگهانی، با خیره شدن ارادی و کنجکاوانه بسیار متفاوت است. اراده نگاه دوم، این پیام را به مغز می رساند که می تواند برای ظهور ناهنجاری آماده شود؛ آنگاه است که تمامی قوای بدن، در خدمت این پیام در آمده و در انتظار ورود اطلاعات از دریچه چشم می نشینند. روان شناسان، تحریک پذیری مردان از راه چشم را به مراتب بیشتر از زنان می دانند؛ بنابراین در آلودگی دیداری جامعه، قربانی اصلی مردان هستند که آماج تیرهای زهرآلود شیطان قرار می گیرند.

زن، اگرچه فطرتاً حافظ شکوه و زیبایی خود است؛ اما برای او، حد مشخصی از حجاب نیز تعریف شده است تا چنانچه به خاطر فضای خانواده یا محیط کار و...، این صیانت فطری در او کم شد؛ حجاب، آن را جبران کند. بی سبب نیست که **پیامبر خوبی‌ها ﷺ فرموده‌اند:**

صیانت زن، او را شاداب‌تر و زیبایی‌اش را پایدارتر می‌کند.

درباره حیای پوشش و آنچه با عنوان حجاب مطرح شده است، اصول پایه‌ای و مشترکی وجود دارد؛ مانند اینکه **پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:**

لباسی بیوش که انگشت‌نمای مردم نشوی و عزت و احترامت هم محفوظ بماند.

اما این موضوع، به چند محور جزئی‌تر نیز تقسیم‌شدنی است:

الف. حجاب در عبادت

بدون در نظر گرفتن احکام شرع مقدس، باز هم ادب اقتضا می‌کند که انسان در مقابل دیگران با لباس مناسب ظاهر شود. پوشش کامل هنگام پنج نوبت نماز در شبانه‌روز، تمرین و تلقینی عملی و بسیار جدی برای رعایت حجاب اسلامی است که البته درباره زن مسلمان شکل کامل‌تری به خود می‌گیرد؛ هرچند به مردان نیز سفارش شده است که با لباس کامل در هنگام نماز، ادب حضور در پیشگاه الهی را رعایت کنند.

ب. حجاب در خانه

یکی از مسائل مهم و درخور توجه افراد خانواده، پوشش و آراستگی آن‌ها در برابر هم است. توصیه کلی این است که افراد خانواده، مقابل چشم یکدیگر تمیز و آراسته ظاهر شوند و دوست‌داشتنی‌ترین لباس‌ها را بپوشند. این پوشش و آراستگی باید چگونه باشد؟ آیا به صرف حضور در منزل، قاعده مشخصی ندارد؟

با بیان چند نکته، به پاسخ این سؤال، می‌پردازیم:

۱. آراستگی و پوشش دلپذیر همسران برای هم، باید مختص زمان خاص خودش باشد، نه در برابر چشم فرزندان. در چنین خانه‌هایی فرزندان می‌آموزند که در عین پوشیدگی، می‌توان دلنشین و آراسته بود.

۲. مادر مقید و دین‌دار، به دخترش می‌آموزد که در زمان نبودن پدر و برادرانش می‌تواند متفاوت‌تر و دخترانه‌تر به ظاهر خود برسد و از لباس‌ها و زیورآلاتش استفاده کند.

دختر باید بیاموزد که اگرچه این مردان محارم او هستند، اما دلیل نمی‌شود که لباس پوشیدنش بی‌قاعده و رفتارش بی‌اصول باشد. اهمیت این موضوع تا آنجاست که امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به پرسشی، تلویحاً به این مطلب اشاره می‌کنند که در برابر سایر محارم نیز نمی‌توان لباس بدون آستین و کوتاه پوشید. **امام باقر (علیه السلام) نیز فرموده‌اند:**

نمایان کردن تمام بدن برای زوج رواست و سر و گردن را می‌توان در برابر پسر و برادر آشکار کرد؛ اما در برابر نامحرم باید از چهار پوشش استفاده کرد: پیراهن (درع)، روسری (خمار)، پوششی وسیع‌تر از روسری که بر روی سینه می‌افتد (جلباب) و چادر (ازار).^۱

۳. به آراستگی مردها در عرصه خانواده، تأکید زیادی شده است؛ تاجایی که این امر را باعث افزایش عفت زنان دانسته‌اند؛ ولی پوشش مرد نیز در عین زیبایی و آراستگی (اصلاح محاسن و موی سر، شانه زدن، عطر زدن و...) باید چنان باشد که غریزه خفته فرزندان را بیدار نکند؛ چنان‌که در روایات، رفتار مهرورزانه پدر با دختر، همچنین رفتارهای مادر با پسر، در چارچوبی خاص پذیرفتنی است.

۴. مادری که فرزند پسر دارد، نسبت به مادری که دختر دارد، حتماً باید مسئولانه‌تر به پوشش خود بیندیشد و رفتار کند. پدری هم که دختر دارد، باید جانب حیا (پرهیز از پوشش

نامناسب و رفتار و شوخی سبک) را در خانه نگه دارد.

۵. والدین خدامحور، بر این باورند که دخترشان مهد تربیت انسان‌های فرداست؛ پس مهم است که از نخستین سال‌های تکلیف، نگاه درست و دقیقی به پوشش و دلایل آن داشته باشد. آن‌ها باید مراقب باشند که از امر حجاب دخترشان در اوّلین سال‌های بلوغ، غفلت نکنند؛ آن هم به دلایلی غیرموجه مانند: سخت‌نگرفتن بر دختر تازه‌مکلف‌شده، جدّی‌نگرفتن حجاب او به دلیل کودک‌خواندنش، صمیمیت‌های بیجا در معاشرت‌ها (بغل‌کردن و بوسیدن دختر توسط مردان نامحرم؛ اما آشنا) یا حفظ‌نکردن حجاب به علت جلوگیری از ناراحت‌شدن برخی از نزدیکان!

پُر واضح است که چنین رفتارهایی، هم زشتی حضور بدون پوشش در برابر نامحرم را می‌شکند و هم از حیای دختران می‌کاهد.

در این زمینه، اشاره به ارتباط بین مردان و زنان نامحرم در بین خویشاوندان، ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه در این عرصه، به علت ملاحظات نادرست و تعارفات نابجای خانواده‌ها، ناپایداری دینی رواجی ناپسند یافته است؛ اما حقیقت این است که در حفظ حریم و حجاب، نامحرم‌ان خویشاوند، هیچ تفاوتی با نامحرم‌ان غریبه ندارند؛ از این رو، باید در برابر نامحرم‌ان آشنا و ناآشنا، از هر نوع شوخی و رفتاری که تنها شایسته محارم است، پرهیز شود.

شوخی‌های لفظی بین نامحرم‌ان، اگرچه در ظاهر، فاقد هرگونه قصد و نیت سوء است؛ ولی در باطن خود، ناخواسته آغازگر لغزش و خطاست؛ چنان‌که پیامبر رحمت ﷺ فرموده‌اند:

مَنْ فَآكَ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حَبْسُهُ اللَّهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ^۱

هرکه با زن دیگران شوخی کند، خداوند بابت هر کلمه‌ای که با آن زن شوخی کرده است، او را هزار سال به زندان خواهد افکند.

رعایت حدود حیا در خانه، زمینه‌ساز حفظ شایسته‌آنها در اجتماع است. بدون در نظر گرفتن ضرورت و لزوم حضور زنان در بیرون از خانه، باتوجه به مسئولیت مهم آنها در حفظ پوشش، به توضیح مختصری دربارهٔ حجاب اجتماعی می‌پردازیم؛ البته با این نگاه که حضور در برابر افراد وابسته، ولی نامحرم نیز احکام پوشش اجتماعی را در بر می‌گیرد.

ج. حجاب در اجتماع

حجاب، حصار حرمت‌افزایی است که کرامت انسانی زن را از گزند ناپاکی‌ها در امان نگاه می‌دارد. در حجاب دو موضوع اهمیت دارد: پوشش و رفتار متناسب با پوشش که حاصل این دو، امنیت است؛ پس هرچیزی جز این، اگرچه به ظاهر حجاب خوانده شود، حجاب نیست. نوع راه رفتن، روش سخن گفتن و شیوهٔ رفتارهای اجتماعی هر انسان، به روشنی نشان‌دهندهٔ خواسته‌های درون اوست؛ بنابراین هرچیزی از جمله زینت، طرز بیان و رفتارهای خاص که به جلب توجه نامحرمان بینجامد، ممنوع و حرام است.

امید است با حفظ و پرورش حیا در وجود خود و نزدیکانمان، عقل و ایمان را مهمان همیشگی خانه‌هامان کنیم^۱ و در بهشت خانواده، جلوهٔ کامل تربیت اسلامی را به نمایش بگذاریم.

۱. إرشاد القلوب إلى الصواب، ترجمهٔ مسترجمی، ج ۲، ص ۶۵: «وَرَوَى أَنَّ جَبْرَائِيلَ نَزَلَ إِلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْخَبَاءِ وَالْعَقْلِ وَالْإِيمَانِ فَقَالَ رَبُّكَ يَقُولُ لَكَ تَخَيَّرَ مِنْ هَذِهِ الْأَخْلَاقِ وَاجِدْ فَأَخْتَارَ الْعَقْلَ فَقَالَ جَبْرَائِيلُ لِلْإِيمَانِ وَالْخَبَاءِ ازْجَلًا فَقَالَ أَمَرْنَا أَنْ لَا نُفَارِقَ الْعَقْلَ: [از امیرالمؤمنین علیه السلام] روایت شده است: [جبرئیل، درحالی که حیا و عقل و ایمان را همراه داشت، بر حضرت آدم علیه السلام نازل شد و عرض کرد: 'ای آدم، خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید: یکی از این سه چیز را در اختیار بگیر.' حضرت آدم علیه السلام عقل را انتخاب فرمود. جبرئیل علیه السلام به حیا و ایمان گفت: 'شما بروید.' حیا و ایمان گفتند: 'خداوند به ما امر فرموده است که از عقل جدا نشویم.'»



صفای خانه

معاشرت و اخلاق ارتباطی

آیینۀ تمام‌نمای پسند و ناپسند هم و همراه و هم‌قدم یکدیگر هستید، در شاهراه بندگی حق؛ هم‌نشینی‌تان، نشستن در محضر خداوند است و هم‌کلامی‌تان مایۀ غبطۀ ملائکه!
صوت قرآنتان روشنایی اهل آسمان و خُلق خوششان، رایحه و عطری بهشتی باشد که در منزل رضوان الهی نیز همراهی‌تان کند.

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكِتْمَانُ سِرِّهِ... وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ... وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِي الْبُؤْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ...^۱

مؤمن، مؤمن نخواهد بود تا وقتی که در او سه خصلت باشد: سنتی از پروردگارش، سنتی از پیغمبرش و سنتی از امامش. روش پروردگارش رازپوشی است...؛ روش پیغمبرش، مدارا با مردم است؛ زیرا خدای عز و جل به پیغمبرش دستور مدارای با مردم داد... و روش امامش، شکیبایی در سختی‌هاست... [که مؤمن باید این‌ها را داشته باشد].

در خانواده دینی که کردار و گفتارشان را سخن خداوند و کلام ائمه علیهم السلام تعیین می‌کند، باید چگونه رفتار کنیم تا ما نیز در زمره مؤمنان قرار گیریم؟

آداب و سنت‌های اخلاقی که در زمینه معاشرت وارد شده است، معمولاً از حوزه باید و نبایدهای دینی (حلال و حرام) خارج؛ اما رعایت آن‌ها لازم است. جامعه‌ای که بخواهد انسانی و اسلامی زندگی کند و زندگی باصفا و حیاتی خداپسندانه و طیب داشته باشد، باید در عمل به این‌گونه آداب پایبند باشد. انسان دین‌دار، یادگیری آداب معاشرت را لازم می‌داند تا مبدا حقوق دیگران را زیر پا بگذارد. در روایتی از امام صادق علیه السلام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرِّقْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ.^۲

مدارا با مردم، نیمی از ایمان است و رفاقت با آنان، نیمی از زندگی همراه با خوشی است.

۱. آل‌امالی (الأمالی للصدوق)، ص ۳۲۹.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

ما در علم دین، بلکه در نگاه جامعه‌شناسی، واحد خانواده را که محل پرورش انسان‌های جامعه است، زمینه‌ساز پیدایش جامعه‌متدین و متمدن و سالم می‌دانیم.

در خانواده دین‌مدار، به تمرین مهارت‌های معاشرت و آموزش آن به فرزندان، بسیار توجه می‌شود؛ چراکه آن‌ها را برای پذیرش نقش‌های همسری، پدری، مادری و... آماده می‌کند. این روابط که از ارتباط اعضای خانواده باهم آغاز می‌شود و ارتباط با ناآشناترین افراد جامعه اسلامی (در راه‌ماندگان) را نیز دربر می‌گیرد، اصول و مبانی مشترکی دارد؛ از جمله: در نظر گرفتن رضای خدا، اظهار محبت در چهارچوب خداپسندانه، اخلاق نیکو،^۱ انصاف و مواسات (عزیزداشتن دیگران مانند خود)،^۲ خوش‌رویی در برخورد و پرهیز از بداخلاقی و کم‌صبری و خودپسندی.

از نشانه‌های دانایی و پختگی، مهارت مدارا با مردم است. به این مهارت که نیازمند تمرین اصولی است، در بیان اهل بیت (علیهم‌السلام) بسیار تأکید شده است.

همان‌طور که می‌دانیم فضای مطلوب هر خانواده، از چگونگی روابط بین افراد آن نشئت می‌گیرد؛ روابط بین همسران و رفتار و گفتار آن‌ها با فرزندان، نحوه معاشرت اعضای خانواده با خویشاوندان و دوستان و همسایگان و به‌طور کلی، دانستن و عمل به وظایفی که در برابر دوست و همسایه و ارحام وجود دارد، موجب ایجاد فضایی با نشاط و سرزنده و پرامید می‌شود؛ در نتیجه زمینه‌بندی بهتر خداوند را فراهم می‌کند. صفا و صمیمیتی که باید در خانه باشد، نتیجه حسن معاشرت و اخلاق نیک تک‌تک افراد خانواده است؛ چنان‌که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۲: امام صادق (علیه‌السلام) به کسی که از آن حضرت پرسید: «حد و اندازه حسن خلق چیست؟» فرمودند: «تَلْبِينُ جَنَاحَكَ وَ تَطْلِيْبُ كَلَامِكَ وَ تَلَقُّیْ اَحَاكَ بِبِشْرِ حَسَنِ؛ اخلاقت را نرم کنی، سخنت را پاکیزه و زیبا کنی و با برادرت، با چهره باز و نیکو ملاقات کنی.»

۲. المحاسن (المحاسن للبرقي)، ج ۱، ص ۱۰۹: امام علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ الَّذِي يُحِبُّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ يُكْرَهُ لَهُ مَا يُكْرَهُ لِنَفْسِهِ؛ خداوند، مسلمانی را دوست دارد که آنچه برای خود می‌خواهد، برای برادر دینی‌اش هم بخواهد و آنچه برای خویشتن نمی‌خواهد، برای او هم نخواهد.»

هرگاه خداوند برای خانواده‌ای خیر و خوبی بخواند، به آنان رفق و نرمی در زندگی و اخلاق نیکو می‌بخشد.^۱

در این قسمت، قصد داریم اصولی را که در باصفا شدن فضای خانه مؤثرند، مرور کرده و تا حد ممکن به بیان مصادیق آن‌ها بپردازیم.

اصل عبادت و ارتباط با خدا و معصومان علیهم‌السلام در فضای خانه

فضای یک خانوادهٔ مسلمان را در نظر بگیرید: آنچه این جمع را از دیگر خانواده‌های این کرهٔ خاکی متمایز می‌کند، باور دینی آن‌هاست که در آداب پوشش، خوردن و آشامیدن، روابط اجتماعی و... نمود پیدا می‌کند. خانوادهٔ مسلمان، اسلام را به عنوان دین و قانون زندگی خود انتخاب کرده‌اند. این انتخاب، به همهٔ زوایای زندگی مسلمان، رنگ و جهت خدایی می‌بخشد. وقتی زن و مرد مسلمان زیر یک سقف زندگی مشترکی را تشکیل می‌دهند، چون هم‌باورند، حتماً تمایل دارند یکدیگر را در مسیر رسیدن به ارزش‌های مشترک خود، کمک و یاری کنند. آن‌ها می‌پسندند آنچه به عنوان حقایق عالم درک کرده و شناخته‌اند، به فرزندان‌شان (حاصل زندگی‌شان) نیز منتقل کنند.

بدیهی است که پرستش خداوند و اهمیت به پسند و رضای خدا در صدر توجه یک خانوادهٔ مسلمان قرار دارد. ایجاد فضای بندگی در خانه و روح اطاعت در فرزندان، به برنامه‌ای منظم و هدف‌دار نیاز دارد که براساس توجه و عمل به آموزه‌های قرآن و کلام معصومان علیهم‌السلام شکل می‌گیرد.

۱. قرائت قرآن

قرائت روزانهٔ قرآن که به تلاوت دست‌کم پنجاه آیه در هر روز توصیه شده است، خانواده را ملزم

۱. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۴: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا رَزَقَهُمُ الرِّفْقَ فِي الْمَعِيشَةِ وَحَسَنَ الْخُلُقِ.»

می‌کند تا هرروز باتوجه به نگاه دینی (مسبب‌الاسباب بودن خداوند، توکل، ناپایداری دنیا و پایداری آخرت و...) روز خود را شروع کنند و از نور قرآن هدایت جویند. قرائت روزانه قرآن، دل را صفا می‌بخشد و روزی را برکت.

۲. دعای دسته جمعی

دعا به معنای طلب خیر و درخواست کردن از درگاه خدا، در دستورات دینی ما جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به طوری که از آن به مغز عبادت^۱ تعبیر شده است. طبق آیات و احادیثی که درباره دعا وارد شده است، انسان موظف است که دعا کند و خداوند، خود، استجابت دعای او را به عهده گرفته و فرموده است:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...﴾^۲

هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند؛ [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را پاسخ می‌گویم....

دعا، روح نیایش و سبب اتصال به ذات باری تعالی است. دعا، روح انسان را تازه و باطراوت نگه می‌دارد و قلب را رقیق و آماده وصل می‌کند؛ به همین جهت، در تمام شئون زندگی و امور روزانه، به دعا کردن سفارش شده است.

دعای دسته جمعی به اجابت نزدیک تر است؛ زیرا در آن، جمعی از بندگان، از خداوند مطلبی را درخواست می‌کنند. همراهی روح معصوم و پاک فرزندان با پدر و مادر، بهانه محکمی است که نظر رحمت و اجابت خداوند را جلب کند.

۱. عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷؛ پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «الدَّعَاءُ مَخُ الْعِبَادَةِ».

۲. بقره، ۱۸۶.

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

كَانَ أَبِي (علیه السلام) إِذَا حَزَنَهُ أَمْرُ جَمَعَ النِّسَاءَ وَالصِّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَآمَنُوا^۱.

سیره و روش پدرم (علیه السلام) این بود که هرگاه دچار غم و اندوهی می شد، زنان و کودکان را جمع می کرد؛ سپس [برای رفع آن غم و اندوه و گرفتاری] دعا می کرد و آنان آمین می گفتند.

۳. زیارت دسته جمعی

عالم هستی به واسطه وجود حجت های الهی (معصومان علیهم السلام)، از رحمت خداوند بهره مند می شود. ائمه اطهار (علیهم السلام) واسطه های فیض الهی هستند و هر خوبی و خیری، به واسطه وجود آن ها به ما می رسد؛ پس مناسب است برای زیارت اولیای الهی، برنامه ای منظم داشته و نه تنها در غم و غصه ها؛ بلکه در شادی های زندگی نیز با حضور خانوادگی در حرم مطهرشان، شکر نعمت ولایت را به جا آوریم. اولین و مهم ترین اثر زیارت خانوادگی به همراه فرزندان، مزه مزه کردن شیرینی زیارت از دوران کودکی است.

کودکان نمی توانند از جایگاه امام در عالم هستی، درک درستی داشته باشند؛ آن ها به تقلید از بزرگ ترها، فقط دست روی سینه می گذارند و به امام (علیه السلام) سلام کرده و از ایشان خدا حافظی می کنند؛ اما محبت مولایی مهربان در قلبشان جای می گیرد. خوب است زیارت با دلخوشی های کودکانه، مثل خرید اسباب بازی و کتاب و خوراکی دلخواه آن ها، پوشیدن لباس های تمیز و حتی نو، خوردن غذا بیرون از خانه و... همراه باشد. بزرگ ترها نیز می توانند با رعایت مسائل اخلاقی در رفتار خود، ویژه بودن این عمل (زیارت) را نشان دهند؛ مثلاً در موقع زیارت، راحت تر از خطای بچه ها بگذرند و مهربانی و لبخند بیشتری به خرج دهند و به زبان آورند که این کار را به احترام امام (علیه السلام) انجام می دهند.

۴. برگزاری مراسم مذهبی در خانه

یکی از نمونه‌های بزرگداشت شاعر دینی^۱، برگزاری مراسم مذهبی است. برگزاری مراسم دینی در کنار عمل به بقیه باورهای دینی، نشان دهنده محبت و ارادت و باور والدین به اسلام است. این مراسم در آشنایی خانواده، به‌ویژه فرزندان، با علوم و معارف دینی و جایگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) مؤثر است. فرزندان، غیرمستقیم و در قالب دیدار با آشنایان و همبازی‌ها، در فضایی قرار می‌گیرند که معطر به یاد و ذکر اهل بیت (علیهم‌السلام) است؛ در نتیجه محبت به ایشان در جان‌شان ریشه می‌گیرد و زمانی که بزرگ‌تر شدند و به دوران شناخت دینی (نوجوانی) پا گذاشتند، این شیرینی قلبی را به فهم درست از دین، پیوند می‌دهند. برگزاری مراسم بزرگداشت و شادی اهل بیت (علیهم‌السلام)، مراسم شهادت ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، کلاس احکام، جلسه تلاوت و تفسیر قرآن و قرائت ادعیه، از جمله مراسمی است که می‌توان در خانه برگزار کرد.

۵. شرکت در محافل مذهبی و ملی

خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد پایدار جامعه دینی، باید در اجتماعات دینی و سیاسی حضوری پویا و مسئولانه داشته باشد. خانواده دینی در برابر وقایع جامعه، درست و فعال عمل می‌کند؛ چرا که خودش راقسمتی از این جامعه می‌داند و سرنوشت همه برایش مهم است؛ از جمله، در هیئات مذهبی و جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ دینی حضور یافته، به مسجد می‌رود، در نماز عبادی سیاسی جمعه حاضر می‌شوند و در راهپیمایی‌های ملی مذهبی شرکت می‌کنند.

اصل ترک گناه و رعایت تقوا

از اصولی که یک خانواده دینی باید به آن پایبند باشند، رعایت تقوا و ترک گناهان است؛ زیرا

۱. واژه شاعر به‌معنای نشانه‌هاست و به هر چیزی که شعار و نشانه باشد، اطلاق می‌شود؛ از جمله: همه احکام و دستورهای خدای متعال، عبادت‌هایی که آشکار و به‌صورت جمعی برگزار می‌شود، سرفصل‌های آیین الهی و برنامه‌های کلی دین و آنچه در نخستین برخورد با آیین اسلام جلب توجه می‌کند، به‌ویژه مناسک حج.

همان طور که عبادات و زیارت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) انسان را به اوج می‌رساند، گناهان نیز می‌توانند او را در سراسیمگی سقوط قرار دهند.

با انجام اعمال صالح و ترک گناهان که در حقیقت، عمل به فرمایشات اهل بیت (علیهم السلام) و همراهی با آنان است، می‌توانیم به مراتب والای معنویت رسیده و زندگی خدایسندانه‌ای داشته باشیم. دقت به این نکته ضروری است که اتکا به دوستی اهل بیت (علیهم السلام)، به تنهایی و بدون انجام اعمال صالح و نیز بالعکس، نمی‌تواند انسان را سعادتمند کند! وجود این دو با هم، می‌تواند فضای یک خانه را مصفا کند و اعضای خانواده را که بسان مسافران یک کشتی هستند، به ساحل نجات برساند. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید:

لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ الْإِجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ إِنْكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام) لَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام) وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ إِنْكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ.^۱
مبادا اعمال نیک را به اتکای حب و دوستی آل محمد (علیهم السلام) رها کنید و مبادا دوستی آل محمد (علیهم السلام) را به اتکای اعمال صالح از دست بدهید؛ زیرا هیچ کدام از این دو، به تنهایی پذیرفته نمی‌شود.

همچنین این بزرگوار (علیه السلام) فرموده‌اند:

مَنْ كَانَ مَنَّا لَمْ يُطِعِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَيْسَ مِنَّا.^۲

کسی که خودش را از ما (اهل بیت (علیهم السلام)) بداند و خداوند را اطاعت نکند، از ما نیست. همان طور که از این حدیث رضوی استنباط می‌شود، انجام گناهان و سرپیچی از فرمایشات الهی، ضمن اثر وضعی بر زندگی (بی‌برکتی، بداخلاقی و...)، انسان و خانواده را از خدا و اهل بیت (علیهم السلام) دور کرده و زمینه تسلط شیطان و آلودگی به گناهان بزرگ را فراهم می‌کند.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۷ و ۳۴۸.

۲. عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۳۲.

اصل احترام متقابل و آداب معاشرت در فضای خانه

خانواده، کانون اولیه شکل‌گیری روابط و معاشرت‌های ماست. اصول تربیتی معاشرت و روابط صحیح، در خانواده پایه‌گذاری می‌شود و شروع از روابط همسران با هم سرچشمه می‌گیرد. اینکه فرزندان از رفتار والدین الگو می‌گیرند، واقعیتی است انکارناپذیر؛ پس مهم است که دو همسر چگونه با هم تعامل گفتاری و رفتاری داشته باشند. همسران باید در هم‌کلامی‌های روزانه، حافظ حرمت و شخصیت یکدیگر باشند. از این مطلب با عنوان حیا در گفتار یاد شد. مصادیق حیا در گفتار (احترام و اظهار محبت در لحن کلام و نوع نگاه، صحبت کردن مؤدبانه و انتخاب کلمات مناسب، پرهیز از شوخی‌های نامناسب و...)، نخست باید بین همسران مراعات شود و بعد در ارتباط آنان با فرزندان.

والدین باید تلاش کنند که استمرار عمل به نکات توصیه‌شده، به صورت خلق و خوی افراد خانواده در آید تا فضای خانه مانع بی‌ادبی‌های رفتاری شود. در بین رفتارهای مناسب، تأکید به انجام برخی از آن‌ها در خانه، بسیار پررنگ‌تر به نظر می‌رسد؛ از جمله: اظهار دوستی افراد خانواده به یکدیگر، تنقید به سلام کردن نیکو و آموزش آن به فرزندان از دوران کودکی، مصافحه و دست‌دادن، مدارا با اهل خانه، احترام به بزرگ‌ترها، مهربانی و احترام به کوچک‌ترها و رعایت عدالت بین فرزندان.

فرزندان خانه نیز باید در گفتار و رفتار خود، ادب و حیا را مراعات کرده و این آداب را در نظر بگیرند:

۱. توجه دائم به این مطلب که والدین، عزیزترین خویشاوند ما هستند و نزد خداوند جایگاه ویژه‌ای دارند، موجب می‌شود که با آن‌ها محترمانه‌تر برخورد کنیم.

۲. دقت به رعایت ادب و نحوه نشستن در مقابل بزرگ‌ترها؛ برای مثال: درازنکشیدن، درازنکردن پا، لم‌دادن و پشت‌نکردن به آن‌ها.

۳. رعایت ادب در نحوه صدازدن پدر و مادر؛ مثلاً اینکه آن‌ها را «شما» خطاب کنیم، در

نگاهمان محبت داشته باشیم و از ابراز خشم، حتی در نگاه به آنان پرهیز کنیم.

۴. پدر، مدیر خانه است؛ مدیری که اگر احترامش حفظ نشده و جدی گرفته نشود، انگیزه‌ای برای مدیریت ندارد. بسیار خوب است که زمان ورود پدر به خانه، فرزندان با همراهی و هدایت مادر، اگر نشسته‌اند، به احترام پدر برخیزند و به استقبال او بروند و در سلام از هم سبقت بگیرند. چقدر زیباست که پدر نیز متقابلاً با روی خوش و آغوش باز و لبخند از آن‌ها تشکر کند.

امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند:

ثَلَاثٌ لَا يَسْتَحْيَا مِنْهُنَّ: خِدْمَةُ الرَّجُلِ ضَيْفُهُ وَ قِيَامُهُ عَنْ مَجْلِسِهِ لِأَبِيهِ وَ مُعَلِّمِهِ وَ طَلَبُ الْحَقِّ وَإِنْ قَلَّ^۱

در سه چیز نباید حیا کرد: خدمت کردن به مهمان، بلند شدن به احترام پدر و معلم و گرفتن حق، اگرچه اندک باشد.

اصل امر به معروف و نهی از منکر در فضای خانه

برای امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، باید به خوب و بدهایی که در شرع آمده است، آگاه بود و مطمئن! مسئولیت این اوامر و نواهی که در همه زمینه‌ها (اخلاقی، اجتماعی، عبادی و سیاسی) وجود دارد، بیش از همه، متوجه پدر و مادرهاست؛ به ویژه پدرها که امام ششم (علیه السلام) به این مهم اشاره فرموده‌اند. براساس روایتی از امام صادق (علیه السلام)، وقتی آیه ششم سوره مبارکه تحریم نازل شد که خداوند در آن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده خود را از آتش حفظ کنید»^۲، مردی از مسلمانان شروع به گریستن کرد و گفت: «من از خویشتن عاجز و ناتوانم، درحالی که تکلیف خویشاوندانم نیز بر عهده‌ام نهاده شد!» رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۹.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...».

حَبِيبَكَ اَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسُكَ^۱.

برای تو همین اندازه بس است که هرچه از خود می‌طلبی، از آنان نیز بطلبی و از آنچه خود را باز می‌داری، بازشان داری.

یکی از جاهایی که امر به معروف و نهی از منکر جایگاه ندارد، در تذکر به والدین است. دلیل این مطلب، مقام والای آن‌هاست؛ به طوری که حتی اگر قرار است فرزند در زمینه حرام و حلال الهی تذکری به پدر و مادر خود بدهد، باید با نرمی و غیرمستقیم و در قالب شعر و داستان و... باشد. پس انتقاد از والدین به طور مستقیم جایگاه نداشته و به دور از ادب و حیاست. گاه فرزندان اعمال والدین را به شوخی یا جدی، در حضور آنان، نقد و بررسی می‌کنند. این کار نیز حرمت‌شکنی است؛ حتی اگر والدین، در ظاهر، همراهی کرده و ابراز ناراحتی نکنند.

اصل مشورت در فضای خانه

اگرچه پدر، مسئول تصمیم‌گیری نهایی در امور خانواده است؛ اما یک مدیر خوب، فقط به علم و آگاهی خود اتکا نمی‌کند؛ بلکه برای رسیدن به بهترین نتیجه، نظر سایرین را هم جویا می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن جایگاه رفیع، در امور حکومتی و سیاسی، نظر اصحاب خود را هم می‌پرسیدند!

در تصمیم‌گیری‌های کلان زندگی خانوادگی، خوب است تمام افراد خانواده، رأی و سلیقه خود را بیان کنند تا خود را در تصمیم نهایی سهیم دانسته و از نتیجه آن دفاع کنند. مشورت از اصول مهم تربیتی است که چند فایده دارد:

۱. فرزندان با فرآیند تصمیم‌گیری و مراحل آن آشنا می‌شوند؛
۲. اعضای خانواده احساس شخصیت و بزرگی کرده و رأی و سلیقه خود را مهم و تأثیرگذار می‌دانند. این مسئله در دوران نوجوانی که فرزندان نیاز به ابراز وجود و دیده شدن دارند، بسیار

۱. الکافی، ج ۵، ص ۶۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.

مهم است. مشورت گرفتن از آن‌ها یکی از راه‌های صحیح در تأمین این میل درونی است؛ چنان‌که در رهنمودی نورانی، از امام صادق (ع) می‌فرمایند:

دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سَنِينَ وَ يُؤَدِّبْ سَبْعَ سَنِينَ وَ الزِّمَّهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سَنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ.^۱

به فرزندت تا هفت سالگی اجازه بازی بده و در هفت سال دوم، او را تربیت کن و هفت سال [سوم]، او را همراه و مشاور خود قرار ده! اگر رستگار شد، چه خوب؛ در غیر این صورت، امید خیری در او نخواهد بود.

۳. فرزندان با امور واقعی و تصمیمات سرنوشت ساز زندگی آشنا شده و برای آینده تجربه می‌اندوزند؛

۴. از آنجاکه همه اعضای خانواده، در تصمیم‌گیری سهیم و شریک بوده‌اند؛ احساس می‌کنند که خودشان تصمیم گرفته‌اند؛ در نهایت، نتیجه تصمیم‌گیری را می‌پذیرند؛ حتی اگر برخلاف میل درونی آن‌ها باشد.

اگر دقت داشته باشیم، رعایت تمام نکاتی که گفته شد و توجه به آنچه در کتاب آسمانی (قرآن کریم) و روایات اهل بیت (ع) آمده است، موجب مصفا شدن فضای خانه می‌شود؛ آنگاه اعضای خانواده، با کمک همدیگر و تشکیل یک خانواده دینی، توفیق نشانند لب‌خند رضایت بر لبان امامان معصوم (ع) را یافته و موجبات رضایت خداوند را فراهم خواهند کرد.

اصل ساده‌زیستی

اگرچه گفتیم که مرد مسئول تأمین هزینه‌های زندگی است؛ اما همسر و فرزندان نیز در این زمینه بسیار تأثیرگذارند. ساده‌زیستی، قناعت و پرهیز از اسراف، از نمونه‌های این کمک و

همراهی است.

ساده‌زیستی با نوع شناخت انسان و نگرش او به زندگی دنیا ارتباط دارد. اگرچه امروزه با رشد افزایش مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، خطر غوطه‌ور شدن هرچه بیشتر انسان‌ها در مرداب دنیا افزایش یافته است؛ اما دانایان که زندگی دنیا را ناپایدار می‌دانند، برای حفظ آرامش روحی و جسمی، قناعت و ساده‌زیستی را بهترین شیوه می‌دانند. در این راستا، **امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)** فرموده‌اند:

حَسْبُكَ مِنَ الْقَنَاعَةِ عَنَّاكَ بِمَا قَسَمَ لَكَ [من] الله سُبْحَانَهُ.^۱

از قناعت، برای تو همین اندازه بس است که با آنچه خدای سبحان برایت قسمت کرده است، بی‌نیاز شوی.

یعنی کافی است که به داده‌های خداوند اکتفا کرده و از طلب از دیگران بپرهیزیم. با این توصیف، هرگاه خداوند رزق و روزی کسی را افزایش داد، لازم نیست بر خود سخت بگیرد؛ بلکه می‌تواند در چهارچوب شرع و عرف، به زندگی خود و افراد تحت تکفلش توسعه دهد؛ البته تاجایی که گرفتار تجمل و خودنمایی نشود.

اصل حفظ اسرار خانه

یکی از مراتب احترام به افراد خانواده، دقت در حفظ اسرار خانه است. از این اصل مهم، معمولاً غفلت می‌شود؛ درحالی‌که ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها و اختلافات خانوادگی به همین موضوع برمی‌گردد.

بازگ کردن بسیاری از مسائل خانوادگی برای دیگران، حکم غیبت را دارد؛ مثلاً پرده برداشتن از عیب‌های اهل خانه برای سایرین. مشکلات معیشتی نیز، از مسائل درون خانوادگی است. زن و فرزندی که شیفته محبت مرد خانواده و افزون بر آن، غرق در محبت الهی هستند،

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۲.

با اندک لقمهٔ حلالی که با تلاش مرد به خانه می‌آید، به زیبایی می‌سازند. آن‌ها خداوند را برای داشتن این کانون گرم خانوادگی شکر کرده و از سر محبت، مشکلات خود را به بیرون از خانه نکشاده و دست نیاز جز به درگاه بی‌نیاز بلند نمی‌کنند.

دقت کنیم که خوبی‌های حسدبرانگیز همسر و فرزندان و نعماتی که خداوند در این زمینه به خانواده داده است نیز از مگوهای خانه به حساب می‌آیند. بیان این واقعیت‌ها اگرچه گناه به حساب نمی‌آید؛ اما از آنجاکه ممکن است باعث قیاس و حسرت دیگران شود، در بیشتر مواقع، مطلوب نیست.

اسرار هر خانه و خانواده‌ای، مربوط به خود آن‌هاست؛ پس حق نداریم اسرار خانوادگی خود را افشا کرده و در معرض دید همگان قرار دهیم؛ همچنین حق نداریم در اسرار حریم خصوصی دیگران که به دلیل بی‌مبالاتی افشا شده است، سرک کشیده و اظهار نظر کنیم.

نظارت به رفت‌وآمد فرزندان با همسالان، دقت در اصول اخلاقی خانواده‌هایی که برای معاشرت انتخاب می‌شوند، استفاده مناسب از وسایل ارتباط جمعی (اینترنت موبایل و...) و شبکه‌های اجتماعی، راه‌اندادن رسانه‌های مضر به محیط خانه (ماهواره...)، بالا بردن روحیهٔ تسلیم و دین‌پذیری در فرزندان، از جمله نکاتی است که ما را در تأمین امنیت روانی و دینی حریم خانه یاری می‌کند.

والدین باید به فرزندان بیاموزند چه مسائلی را نباید برای دیگران بازگو کرد و البته خود هم به این نکته عمل کنند.

قبل از بازگ کردن هر مطلبی برای دیگران، بهتر است از خود بپرسیم: «دانستن این مسئله، چه کمکی به دیگری می‌کند؟» با پاسخ به این پرسش، بهتر تشخیص می‌دهیم که چه مسائلی نیاز به گفتن ندارد.

مهرتان افزون و خانه‌هاتان پُرصفا

مسابقه فرهنگی «خانواده بهشتی» توضیحات

* سؤال ها، از متن کتاب خانواده بهشتی طرح شده است و افراد بالای ۱۲ سال می توانند در این مسابقه شرکت کنند.

* به روش های زیر می توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ صحیح سؤالات به سامانه پیامکی ۳۰۰۸۰۲۲۲؛

برای این کار باید به ترتیب، نام مسابقه و شماره گزینه های صحیح همه سؤال ها را به صورت یک عدد پنج رقمی از چپ به راست، به همراه نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی گفته شده ارسال کنید. مثال: خانواده بهشتی ۳۲۴۱۲ محمد براتی

۲. ارسال پاسخنامه مسابقه به صندوق پستی ۳۱۵-۹۱۷۳۵

قراردادن پاسخنامه در صندوق های مسابقات فرهنگی که در طول شبانه روز، در دفاتر راهنمای زائر حرم مطهر رضوی مستقرند.

توجه:

* هر فرد، فقط یک بار می تواند در مسابقه شرکت کند؛ بنابراین پیامک ها و پاسخنامه های تکراری حذف می شود.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، سی روز (یک ماه) پس از تاریخ دریافت کتاب است.

* قرعه کشی به صورت روزانه انجام می شود و نتیجه، از طریق همین سامانه، به اطلاع بردگان خواهد رسید.

* به منظور سهولت شرکت در مسابقه، هزینه ارسال پاسخنامه پرداخت شده است؛ از این رو نیازی به استفاده از بایک و تمبر نیست.

* تذکر: مطالب، پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه ای ارسال کنید.

تلفن تماس: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

سؤال‌ها

سؤال اول: کدام گزینه درباره جایگاه و اهمیت حقوق والدین درست است؟

۱. بزرگ‌ترین تکلیف الهی، نیکی به پدر و مادر است.
۲. نیکی به پدر و مادر واجب است؛ اگرچه مشرک یا کافر باشند.
۳. امام سجاد (علیه السلام) هشتاد حق برای پدر و مادر بیان فرموده‌اند.
۴. همه گزینه‌ها.

سؤال دوم: در هر روز، خواندن حداقل چند آیه از قرآن کریم توصیه شده است؟

۱. چهل آیه
 ۲. پنجاه آیه
 ۳. هفتاد آیه
 ۴. هشتاد آیه
- سؤال سوم:** پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِهِمْ». این فرمایش نورانی، بر تربیت فرزندان از چه زمانی دلالت دارد؟

۱. در زمان انتخاب همسر مناسب برای ازدواج
۲. در رحم مادر با روزی حلال
۳. از هنگام تولد و دوران کودکی
۴. از هفت سالگی و شروع تحصیل

سؤال چهارم: براساس متن کتاب، کدام گزینه درست نیست؟

۱. در خانه‌ای که قرآن خوانده می‌شود، کارها بر اهلبش آسان و خیرش زیاد می‌شود.
۲. کسی که در پی روزی حلالی باشد تا آن را برای خود و خانواده اش مصرف کند، همانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند.
۳. عبادت ده جزء است که نه جزء آن، طلب روزی حلال است.
۴. رعایت نکردن حقوق والدین پس از حیات و مرگشان، باعث عاقق فرزند نمی‌شود.

سؤال پنجم: این سخن، فرمایش کدام معصوم (علیه السلام) است؟

- «بهترین چیزی که پدران برای فرزندان خود به ارث می‌گذارند، ادب است، نه مال؛ زیرا مال از بین می‌رود و ادب باقی می‌ماند.»

۱. امام صادق (علیه السلام)
۲. امام رضا (علیه السلام)
۳. امام جواد (علیه السلام)
۴. امام حسن عسکری (علیه السلام)

مشخصات

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت با کد شهر: تلفن همراه:

پاسخنامه مسابقه «خانواده بهشتی»

سؤال / گزینه	۱	۲	۳	۴
سؤال اول				
سؤال دوم				
سؤال سوم				
سؤال چهارم				
سؤال پنجم				

انتقادات و پیشنهادات:

.....

.....

لبه کاغذ را پس از برش، تازده و بچسبانید.

پست جواب قبول



نشانی فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵